H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۰ شهریور ۱۴۰۴ | شماره ۴۱۴۴
۸ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

امضای شیوه‌نامه جدید میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، روزنه‌ای به کاهش تنش‌ها گشوده است

توافق قاهره؛ گامی محتاطانه در دیپلماسی هسته‌ای

صفحه ۳

افزایش قیمت لبنیات، هزینه ماهانه خانوار را تا ۲۰ درصد افزایش داده است

حذف لبنیات و سفره خاکستری خانوار

صفحه ۲

نگاهی به یکی از چالش‌های دردسرساز والدین با کودکان

«بیش فعال» یا «شیطون»؟

صفحه ۶

موقوفه مستشار قاجاری در خدمت اطباء

سرگذشت بیمارستان دادگستری؛ از خانه‌ای وقفی تا تجهیزات پزشکی به‌روز

صفحه ۶

اندر باب برکناری نادره رضایی که قهرمان این‌سو و ضدقهرمان آن‌سو شد

از معاونت تا وزارتخانه دستمایه دعواهای جناحی

ده ماه حضور پرحاشیه معاون هنری در وزارت فرهنگ و ارشاد سرانجام وزیر را با مجلس همخوان کرد

آن روز که سیدعباس صالحی برای پاسخ به سوالات به مجلس رفت، تیتر زدیم «از وزیر و معاونش گفتند، از فرهنگ نگفتند»، امروز نیز باید بگوییم «وزیر، معاونش را عزل کرد اما نه برای فرهنگ». مجموع اتفاقات ده‌ماه اخیر در معاونت هنری وزارت ارشاد، نه از سوی منتقدان و نه موافقان هیچ‌گاه با شاقول فرهنگ بررسی نشد. عملکرد نادره رضایی برکنار شده، همواره از سوی وزیر و سایر موافقانش در سکوت ماند. چه آنجا که صالحی در مجلس کارنامه ۱۲ روزه جنگ را به عنوان عملکرد وزارتخانه و معاونانش مطرح کرد، چه حالا که در برکناری معاونش، جز جملات ثابت احکام عزل و نصب، چیز بیشتری برای ارائه نداشته است. این دعواها، نه بر سر معاون که برگرفته از دعوای سیاسی دو جناح است که یکی به قدرت رسیده و دیگری پشت در مانده است و ما به سیاق سابق تماشاگر دعواهای بیرونی و بی‌خبر از توافق‌های درونی هستیم.

صفحه۵

سوغات کافا از تاشکند رسید

امیر با دستکش طلایی

صفحه ۷

یادداشت

به بهانه مرگ «لئو» شیری که در باغ‌وحش کشته شد

مدیریت دولتی؛ از کمبودشن در کویر لوت تا گرانی مرغ

چندی پیش، ماجرای عجیبی در رسانه‌ها دست به دست شد. یک قهرمان کشتی پیشین، توله شیری را که مدتی در خانه‌اش نگهداری می‌کرد، ناچار شد با فشـــار نهادهای دولتی و عمومی به سازمان حفاظت محیط زیست بسپارد. او گفته بود شیر کوچک مانند فرزند خانواده‌اش شده است؛ روی مبل کنارشان می‌نشست، به صدای تلویزیون واکنش نشان می‌داد و حتی نام «لئو» را برایش برگزیده بودند. اما سرنوشت این حیوان پس از تحویل به باغ‌وحش تلخ شد؛ جایی که نه درک عاطفی خانواده را داشت و نه امنیتی که انتظار می‌رفت. در نهایت، «لئو» توسط دو شیر دیگر کشته شد. هرچند نگهداری حیوانات وحشی در منزل و جدا کردن آنها از دل طبیعت عملی مذموم و نادرست است اما موضوع اصلی این یادداشت نیست. این داستان بیش از یک روایت غم‌انگیز از سرنوشت حیوانات وحشی است که اسیر دست انسان می‌شوند و اغلب سرنوشت غمباری پیدا می‌کنند بلکه استعاره‌ای است از سرنوشت بسیاری از پدیده‌ها در ایران که هرگاه دولت مسئولیت نگهداری یا مدیریت چیزی را بر عهده می‌گیرد، نتیجه نه تنها بهتر نمی‌شود، بلکه اغلب به شکلی فاجعه‌بار پایان می‌یابد.

چرخه مسموم دخالت دولت

دخالت دولت در عرصه‌ها و ابعاد گوناگونی که می‌تواند ورود نکند فرقی نمی‌کند از کجا آغاز شود؛ می‌خواهد نگهداری از یک شیر در باغ‌وحش باشد یا مهار قیمت یک کالا در بازار. دولت وقتی وارد چرخه می‌شود، به جای آن‌که نظم ایجاد کند، زنجیره‌ای از بی‌نظمی را به وجود می‌آورد و اوضاع را وخیم‌تر می‌کند. نمونه روشن این دخالت‌ها را می‌توان در بازار مرغ دید. قیمت مرغ چنان افسار گسیخت که چندی پیش صدای ریاست مجلس را هم درآورد و اعلام کرد هزینه‌های خوراکی به ویژه قیمـــت مرغ که به عنوان یکـــی از اقلام اصلی سبد غذایی مردم است به طور بی‌رویه بالا رفته و آن را نشان‌دهنده ناکارآمدی سیاست‌های فعلی در کنترل تورم و تأمین نیازهای ضروری دانست.

وقتی قیمت مرغ بالا می‌رود، دولت بی‌آنکه نقش خود را ببیند ابتدا سازمان تعزیرات حکومتی سراغ فروشنده می‌رود. فروشنده می‌گوید: «من مقصر نیستم، قیمت خرید از کشتارگاه بالا رفته اســـت.» دولت بلافاصله مثل قهرمان به کشتارگاه می‌رسد اما باز همان پاسخ را می‌شنود و متوجه می‌شود کشـــتارگاه هم مرغ را با قیمتی بالا از مرغدار خریداری کرده است. بعد سراغ مرغدار می‌رود و در نهایت تعجب می‌بیند مرغدار هم گران نمی‌فروشد بلکه قیمت تمام شده تولید مرغ به علت افزایش قیمت دلار و به تبـــع آن افزایش قیمت نهاده‌های دامی برایش گران تمام شده است. اینجاست که دولت تصمیم می‌گیرد همچون قهرمان وارد عمل شود و مشـــکل مرغ را حل کند. ارز دولتی به نهاده‌ها اختصاص دهد تا مرغدار ارزان‌تر تولید کند.

اما نتیجه چه می‌شود؟ همان‌طور که تجربه سال گذشته نشان داد، هشت میلیارد دلار ارز ترجیحی به نهاده‌های دامی اختصاص یافت، بی‌آنکه قیمت مرغ کاهش پیدا کند. حتی بدتر، فساد گسترده‌ای شکل گرفت و نهاده‌ها یا به بازار ســـیاه رفتند یا به جیب رانت‌خوارانی سرازیر شدند که هیچ ربطی به تولید نداشتند.

وقتی شن هم کمیاب می‌شود

فریدریش هایک، اقتصاددان بـــزرگ مکتب اتریش، جمله‌ای دارد که بارها تکرار شـــده اســـت: «اگر اداره یک بیابان را به دولت بســـپارید، آخر ســـال با کمبود شن روبه‌رو خواهید شد.» این طنز تلخ، نه اغراق، بلکه شـــرحی دقیق از منطق مداخله دولتی است. هر جا دولت اراده کرده تا مشکلی را حل کند، منابع کمیاب‌تر و فساد گسترده‌تر شده است. در واقع، مشکل اصلی نه در نیت که در سازوکار است. دولت نمی‌تواند مانند بازار به سیگنال‌های قیمت پاسخ دهد. بازار با شبکه‌ای از اطلاعات پراکنده و تصمیم‌های فردی کار می‌کند، اما دولت با دستور از بالا می‌خواهد همان نظم را بازسازی کند؛ کاری که از اساس ناممکن است. درست به همان قیاس که یک دســـتگاه دیالیز بزرگ با تمام امکاناتی که دارد هرگز نمی‌تواند نقش کلیه را در بدن ایفا کند.

بازار ارز: آزمایشگاهی برای شکست سیاست

نمونه روشن دیگر، بازار ارز است. دولت بارها کوشیده با تخصیص ارز ترجیحی یا تعیین نرخ دستوری، ثبات ایجاد کند. اما نتیجه چه بوده؟ اختلاف شدید میان نرخ رسمی و آزاد، شکل‌گیری بازارهای موازی و رونق دلالی و دامن زدن به سفته بازی و وخیم‌تر شدن اوضاع. در این میان، تولیدکننـــده واقعی کمتر از همه بهره برده و مصرف‌کننده نهایی بیشـــترین فشار را تحمل کرده است. همان‌طور که در پرونده نهاده‌های دامی دیدیم، میلیاردها دلار یارانـــه ارزی نه تنها قیمت‌ها را کنترل نکرد، بلکه فساد و ناکارآمدی را نهادینه‌تر ساخت.

خصوصی‌سازی واقعی، نه صوری

البته بســـیاری خواهند گفت که خصوصی‌سازی هم در ایران تجربه شـــده و نتیجه خوبی نداشـــته است. اما مشـــکل در اینجاست که خصوصی‌ســـازی نه به معنای واقعی، بلکه به شکل «خصولتی‌سازی» انجام شده است. بنگاه‌ها از دولت به نهادهای شبه‌دولتی یا وابسته به قدرت منتقل شده‌اند. این انتقال نه رقابت ایجاد کرده و نه کارآمدی را افزایـــش داد؛ تنها حلقه رانت‌جویان را گسترده‌تر کرده است. خصوصی‌سازی واقعی یعنی میدان دادن به بخش خصوصی مستقل، رقابت آزاد، شفافیت اطلاعات و حاکمیت قانون. وقتی دولت هم خریدار، هم فروشـــنده و هم ناظر باشـــد، طبیعی اســـت که نتیجه چیزی جـــز تضعیف اعتماد عمومی و فرار سرمایه نخواهد بود.

از قیمت مرغ تا اینترنت

این چرخه دخالت مخرب دولت تنها در کالاهای سنتی دیده نمی‌شود. در حوزه فناوری و اینترنت نیز همین منطق برقرار است. دولت برای «مدیریت» پهنای باند یا فیلترینگ وارد می‌شـــود، اما نتیجه کاهش کیفیت و افزایش هزینه برای مردم اســـت. بازار آزاد می‌تواند اینترنت ارزان‌تر، سریع‌تر و امن‌تر فراهم کند؛ اما دولت با مداخلات پی‌درپی عملا توسعه را متوقف کرده است. کجا باید دولت بایستد؟

اقتصاد نویـــن می‌گوید که دولت نقشـــی محدود اما حیاتی دارد: تضمیـــن حاکمیت قانـــون، حفاظت از حقوق مالکیت و فراهم کردن چارچوبی شفاف برای فعالیت آزاد افراد. فراتر از این، هر مداخله‌ای خطرناک است. دولت اگر می‌خواهد به واقع به بازار کمک کند باید تمام وجه همت خود را صرف مهار تورم کند و مهار تورم از مغازه در بازار شروع نمی‌شود. مهار تورم از بانک مرکزی آغاز می‌شـــود چون فقط دولت‌ها هستند که می‌توانند پول چاپ کنند و تورم بیافرینند.

دولت نباید مرغ بفروشـــد، ارز توزیع کند یا مدیریت اینترنت را برعهده بگیرد. وظیفه دولت تضمین رقابت عادلانه است، نه بازیگری در زمین بازی. وقتی دولت وارد رقابت می‌شود، داور و بازیکن هم‌زمان می‌شود و همین تعارض، ریشه فساد و ناکارآمدی است.

سرنوشت «لئو» و سرنوشت اقتصاد

بازگردیم به سرنوشت توله شـــیر «لئو». آنچه قرار بود نجات او باشد، مرگش را رقم زد. دولت او را از خانه گرفت تا در «محیطی مناســـب‌تر» زندگی کند، اما در نهایت باغ‌وحش برایش به زندان و سپس به قتلگاه تبدیل شد. اقتصاد هم چنین است. دولت گمان می‌کند با دخالت می‌تواند رفاه عمومی را بیشتر کند. اما تجربه نشان داده است هر جا دولت وارد شـــده، نه تنها رفاه بهبود نیافته، بلکه منابع نابود شده و فرصت‌ها از بین رفته‌اند.

راه رهایی از چرخه دخالت

راه‌حل روشن است: بازگشت به اصول اقتصاد، تقویت بخش خصوصی واقعی و محـــدود کردن نقش دولت به همان کارویژه‌های بنیادین. هر چه زودتر دولت دست از «مدیریت شیرها» بردارد، چه در باغ‌وحش باشد و چه در بازار مرغ و لبنیات، جامعه شانس بیشتری برای نجات خواهد داشت. در غیر این صورت، داستان «لئو» بارها و بارها در عرصه‌های مختلف تکرار خواهد شد؛ داستانی که در آن نیت خوب دولت به فاجعه ختم می‌شود.

تلنگر

ماه آغاز درگیری دانش‌آموزان با ساعت زنگ‌دار و جدا شدن از رختخواب

مهر با چشم‌های خواب‌آلود!

مدیرکل آموزش و پرورش تهران چندی پیش در مانور بازگشایی مدارس گفت: همه‌چیز برای آغاز حضوری کلاس‌ها در اول مهر آماده است؛ نه کمبود نیرو داریم، نه مشکل تجهیزات و «روز اول مهر روزی به یادماندنی برای دانش‌آموزان خواهد بود». این سخن در ظاهر آرامش‌بخش است و نوید یک روز شاد و به یادماندنی را به دانش‌آموزان می‌دهد. اما کافی اســـت در این روزها پای صحبت دانش‌آموزان به ویژه دانش‌آموزان ابتدایی بنشینید تا از دل آنها خبردار شوید. بسیاری از آنها با دشواری بزرگ‌تری دست‌به‌گریبان‌اند و آن سحرخیزی اجباری پس از سه ماه تعطیلات است. کافی است برای آنها سرود شاد «باز آمد، بوی ماه مهر، بوی ماه مدرســـه» را پخش کنید تا گوشی دستتان بیاید که چقدر بوی ماه مهر را دوست دارند که هیچ، برای آن طنزهای جذابی هم ساخته‌اند.

تضاد میان اجبار اداری و تجربه کودک

مدرسه‌ها در نخستین روزها با سرود و پرچم و مانور صبحگاهی به اســـتقبال دانش‌آموزان می‌روند، اما بسیاری از دانش‌آموزان ابتدایی در دلشان چیزی جز خستگی و بی‌حوصلگی حس نمی‌کنند. روانشناسان اجتماعی می‌گویند این فاصله میان «احساسی که کودک تجربه می‌کند» و «تصویری که به او عرضه می‌شود» می‌تواند حس دوگانگی و حتی دلزدگی از مدرسه ایجاد کند. این وضعیت پرسشی را برابر ما می‌گذارد که آیا مثلا کودک هفت‌ساله باید ساعت هفت صبح در مدرســـه باشـــد؟ واقعیت این است که نظام آموزشی بر اساس ســـاختارهای اداری و هماهنگی با ساعات کار والدین شکل گرفته و تغییر آن در کوتاه‌مدت ممکن نیست. بنابراین پاسخ ساده به این پرسش چنین اســـت: بله، کودک هفت‌ساله ناچار است رأس ساعت مقرر در مدرسه حاضر باشد. اما پرسش اصلی‌تر این است: چگونه می‌توان کودک را برای این سحرخیزی آماده کرد؟

خواب، رشد و سلامت

دیر خوابیـــدن نه‌تنها برای بزرگســـالان بلکه برای کودکان هم مضر اســـت. تحقیقات پزشـــکی نشان می‌دهد هورمون رشد اغلب در ساعات اولیه شب از ساعت نه تا دو بامداد ترشـــح می‌شود و بی‌خوابی یا دیر خوابیدن می‌تواند بر رشد قدی، سلامت جسمی و حتی خلق‌وخـــو اثر منفی بگـــذارد. بنابراین بیدار ماندن کودکان تا نیمه‌های شب، چه در تابستان چه در ایام مدرسه، آسیبی جدی به شمار می‌آید. بنابراین بهترین روش برای آنکه کودکان از سحرخیزی نالان نباشـــند عادت دادن آنها به خواب در ساعات اولیه شب اســـت. در این میان نقش خانواده اهمیت پیدا می‌کند. البته قدیم‌ترها کـــه برنامه‌های تلویزیونی ۲۴ ساعته نبود و شبکه‌های مجازی و تلویزیون‌های اینترنتی نبود و وقتی هوا تاریک می‌شد کسی کاری نداشت انجام دهد، لاجرم با تاریک شدن هوا و پس از شام معمولا به خواب می‌رفتند اما امروزه همه چیز در جریان است. ثانیه‌ای از شبانه‌روز نیست که انسان نتواند خود را سرگرم نکند. بنابراین در چنین فضایی نقش خانواده اهمیت پیدا می‌کند.

نقش خانواده در آماده‌سازی

خانواده‌ها در ماه منتهی به مهر به‌تدریج باید ساعت خواب و بیداری فرزندشـــان را تنظیـــم کنند. تغییر ناگهانی، مثلا از خواب نیمه‌شـــب به خواب ساعت ۹ شب، فشار شدیدی بر بدن و روان کودک می‌آورد. اما اگر والدین دو تا ســـه هفته پیش از شروع مدرسه، هر شب ۱۵ تا ۲۰ دقیقه زودتر کودک را به رختخواب ببرند و صبح هم کمی زودتر بیدار کنند، بدن به‌آرامی خود را تطبیق می‌دهد. این آماده‌سازی علاوه بر جنبه زیستی، جنبه روانی هم دارد. وقتی کودک می‌بیند خانواده‌اش با برنامه و آرامش او را برای آغاز مدرسه آماده می‌کند، اضطرابش کمتر و انگیزه‌اش بیشتر می‌شود.

تغییر سبک زندگی تابستانی

تعطیلات تابستانی معمولا با دیر خوابیدن، استفاده بیش از اندازه از گوشی و فضای مجازی، بازی‌های رایانه‌ای و آنلاین، سفر و مهمانی‌های شبانه همراه است. بازگشـــت ناگهانی از این ســـبک زندگی به انضباط مدرسه دشوار اســـت. والدین می‌توانند در هفته‌های پایانی تابستان تغییراتی ساده ایجاد کنند: کاهش تدریجی استفاده از تلفن همراه و تلویزیون در شب، برنامه‌های ورزشی یا پیاده‌روی و ورزش در صبح‌ها و حتی آماده‌سازی وسایل مدرسه پیش از مهر. این تغییرات کوچک به کودک کمک می‌کند حس کند فصل جدیدی در راه است.

استرس خانواده‌ها و ترافیک صبحگاهی

مسئله فقط کودک نیست؛ والدین هم با بازگشایی مدارس تحت فشار قرار می‌گیرند. هم‌زمانی شروع کار ادارات و مدارس، ترافیک صبحگاهی را تشدید می‌کند و خانواده را در وضعیت اســـترس‌آور قرار می‌دهد. اگر خانواده‌ها ساعت خواب خود را هم‌زمان با فرزندانشان تنظیم کنند، این فشار کمی کاهش می‌یابد. در حقیقت، آمادگـــی برای مهر یک پروژه خانوادگی است و فقط دغدغه کودک نیست.

تجربه نخستین جامعه

مدرسه نخستین جامعه‌ای است که کودک تجربه می‌کنـــد. اگر این جامعـــه کوچک بـــا بی‌نظمی و بی‌خوابی آغاز شـــود، پیام ضمنی آن برای کودک ناخوشـــایند خواهد بود: «مدرسه یعنی خستگی و اجبار». اما اگر آغاز ســـال تحصیلی با خواب کافی، آرامش صبحگاهی و همراهی خانواده شکل بگیرد، پیام دیگری منتقل می‌شود.

مسئولان می‌گویند همه‌چیز برای روز اول مهر آماده است. اما آمادگی واقعی در خانه‌ها شکل می‌گیرد. مدرسه می‌تواند ســـاختمان و معلم فراهم کند، اما این خانواده اســـت که باید آهنگ زندگی کودک را بازتنظیم کند.

مهر را باید از خانه آغاز کرد

نمی‌توان تمام نظام آموزشـــی را به‌خاطر دشواری بیدارباش تغییر داد. اما می‌توان خانواده‌ها را به تغییر تدریجی عادت‌ها دعوت کرد. خواب به‌موقع، کاهش استفاده از رسانه‌های دیجیتال در شب و آماده‌سازی گام‌به‌گام، همه ابزارهایی‌اند که آغاز سال تحصیلی را برای کودک آسان‌تر می‌کنند. مهر اگر در خانه با مهربانی آغاز شود، مدرسه هم کمتر به میدان جنگ صبحگاهی شبیه خواهد بود و بیشتر به جایگاه رشد و یادگیری تبدیل می‌شود.

افزایش قیمت لبنیات، هزینه ماهانه خانوار را تا ۲۰ درصد افزایش داده است

حذف لبنیات و سفره خاکستری خانوار

میلیاردها دلار یارانه برای نهاده‌های دامی به سفره‌ها نمی‌رسد

گروه اقتصادی | در دیدار اخیر رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت با رهبر معظم انقلاب، یکی از محورهای کلیدی توصیه‌ها، تثبیت قیمت ده قلم کالای اساسی بود تا مردم بتوانند بدون اضطراب و فشار روانی، نیازهای روزمره خود را تأمین کنند. در این میان، لبنیات به‌عنوان یکی از اقلام حیاتی تغذیه خانوار، به‌ویژه برای کودکان و سالمندان، با چالش جدی مواجه شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که سرانه مصرف لبنیات در دهک‌های پایین جامعه به‌شدت کاهش یافته و این کاهش، پیامدهای مستقیم بر امنیت غذایی و سلامت عمومی خواهد داشت.

علت این وضعیت را باید در تورم مزمن، نوسانات ارزی، افزایش قیمت نهاده‌های دامی، هزینه‌های بسته‌بندی، تعرفه‌های انرژی و حمل‌ونقل جست‌وجو کرد. قیمت شیر خام در خردادماه امسال ۲۸درصد افزایش یافت و چربی مازاد نیز با جهشی ۵۰ درصدی همراه شد. مواد بسته‌بندی که از پتروشیمی تأمین می‌شوند، فاقد ضابطه قیمتی‌اند و با نوسانات بازار آزاد، قیمت آن‌ها گاه تا دو برابر افزایش می‌یابد. نرخ ارز آزاد نیز از ۶۰ هزار به ۹۰ هزار تومان رسیده و ارز مبادله‌ای از ۴۶ به ۷۰ هزار تومان؛ این جهش‌ها مستقیما بر قیمت تمام‌شده محصولات لبنی اثر گذاشته‌اند.

در چنین شرایطی، حاشیه سود شرکت‌های لبنیاتی به حدود ۴ تا ۵ درصد رسیده، در حالی که هر یک از عوامل تولید به‌تنهایی تأثیراتی بالاتر از این رقم دارند. تولیدکنندگان در دو راهی زیان‌دهی یا افزایش قیمت قرار گرفته‌اند؛ اما هر بار که قیمت بالا می‌رود، مصرف کاهش می‌یابد و سفره دهک‌های پایین خالی‌تر می‌شود.

هزینه مصرف لبنیات خانواده‌ها چقدر است؟

در شرایط فعلی، با حداقل حقوق مصوب کارگران که به حدود ۱۲ میلیون تومان در ماه رسیده، تأمین لبنیات برای یک خانواده چهار نفره به یکی از چالش‌های جدی معیشتی تبدیل شده است. بر اساس قیمت‌های سال ۱۴۰۴، شیر پاستوریزه بطری یک لیتری حدود ۲۵ تا ۲۷ هزار تومان، ماست ساده ۲.۵ کیلویی حدود ۱۳۰ هزار تومان، پنیر سفید ۴۰۰ گرمی حدود ۷۵ هزار تومان و سایر مشتقات مانند دوغ، کره و خامه نیز با افزایش قابل توجهی همراه بوده‌اند.

اگر یک خانواده بخواهد حداقل نیاز تغذیه‌ای خود را از لبنیات تأمین کند، با فرض مصرف روزانه یک لیتر شیر، ۵۰۰ گرم ماست، ۵۰ گرم پنیر و مصرف دوره‌ای سایر اقلام لبنی، هزینه ماهانه آن به‌طور متوسط بین ۲.۲ تا ۲.۵ میلیون تومان خواهد بود. این رقم معادل حدود ۲۰ درصد از کل درآمد ماهانه یک خانوار با حداقل حقوق است؛ آن هم فقط برای یک گروه غذایی.

این فشار مالی در کنار افزایش قیمت سایر اقلام ضروری مانند نان، گوشت، برنج، تخم‌مرغ و هزینه‌های مسکن، موجب شده لبنیات به‌تدریج از سبد مصرفی بسیاری از خانواده‌ها، به‌ویژه در دهک‌های پایین، حذف شود. کاهش سرانه مصرف لبنیات، به‌ویژه در میان کودکان، سالمندان و زنان باردار، نه‌تنها تهدیدی برای سلامت فردی است، بلکه در بلندمدت هزینه‌های درمانی و اجتماعی سنگینی را به کشور تحمیل خواهد کرد.

در چنین شرایطی، تثبیت قیمت لبنیات مطابق با تأکید رهبر معظم انقلاب نه‌تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه یک اقدام پیشگیرانه در حوزه سلامت عمومی است. اگر دولت قصد دارد این توصیه را به‌طور واقعی اجرا کند، باید با هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح زنجیره تأمین و حمایت از تولیدکنندگان، قیمت تمام‌شده را کاهش دهد تا لبنیات بار دیگر به سفره خانواده‌های ایرانی بازگردد. بدون چنین مداخله‌ای، حذف لبنیات از سبد غذایی، به‌جای یک انتخاب، به یک اجبار تبدیل خواهد شد.

توزیع نامناسب یارانه نهاده‌ها

دولت سالانه بیش از ۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای واردات نهاده‌های دامی اختصاص می‌دهد، اما این یارانه در حلقه‌های ابتدایی زنجیره تولید محو می‌شود و به محصول نهایی نمی‌رسد. قیمت شیر خام حدود ۲۳ هزار تومان است، در حالی که دولت مدعی پرداخت ۴۷۰۰ تومان یارانه به ازای هر کیلو شیر است رقمی که در سفره مردم دیده نمی‌شود.

پیشنهاد کارشناسان این است که یارانه‌ها به‌جای تخصیص به کل زنجیره، محدود شوند به حدود ۲.۲۵ میلیون تن شیر و از طریق کارت کالا به اقشار هدف پرداخت شوند. این اقدام می‌تواند قیمت شیر را تقریبا نصف کند و بهای تمام‌شده محصولات لبنی را کاهش دهد. چنین سیاستی هم عدالت اجتماعی را محقق می‌کند و هم از فشار تورمی بر مصرف‌کننده می‌کاهد.

در نهایت، اگر دولت قصد دارد توصیه رهبر انقلاب درباره تثبیت قیمت‌ها را به‌طور موثر اجرا کند، باید در سیاست‌گذاری‌های حمایتی بازنگری کند. لبنیات نباید از سبد غذایی مردم حذف شود؛ چراکه حذف آن، نه‌تنها سلامت جسمی و روانی جامعه را تهدید می‌کند، بلکه هزینه‌های درمانی و اجتماعی را در آینده افزایش خواهد داد. تثبیت قیمت لبنیات، نه یک اقدام اقتصادی صرف، بلکه یک ضرورت ملی برای حفظ سلامت عمومی و عدالت غذایی است.

در امتداد بحران مصرف و قیمت‌گذاری، وضعیت بازار لبنیات نیز به‌طور فزاینده‌ای ناپایدار شده است. در حال حاضر، حدود ۳۵۰ کارخانه فعال در صنعت لبنیات کشور مشغول به فعالیت‌اند؛ واحدهایی که با وجود ظرفیت تولید بالا، درگیر رقابت ناسالم، نوسانات شدید هزینه‌ها و نبود سیاست‌های حمایتی موثر هستند. این رقابت، به‌جای ارتقاء کیفیت و کاهش قیمت، موجب بی‌ثباتی در بازار و سردرگمی مصرف‌کنندگان شده است.

نکته

در شرایط فعلی، با حداقل حقوق مصوب کارگران که به حدود ۱۲ میلیون تومان در ماه رسیده، تأمین لبنیات برای یک خانواده چهار نفره به یکی از چالش‌های جدی معیشتی تبدیل شده است. بر اساس قیمت‌های سال ۱۴۰۴، شیر پاستوریزه بطری یک لیتری حدود ۲۵ تا ۲۷ هزار تومان، ماست ساده ۲.۵ کیلویی حدود ۱۳۰ هزار تومان، پنیر سفید ۴۰۰ گرمی حدود ۷۵ هزار تومان و سایر مشتقات مانند دوغ، کره و خامه نیز با افزایش قابل توجهی همراه بوده‌اند

کارخانه ها منتظر فرصت برای افزایش قیمت هستند؟

وقتی قیمت تمام‌شده محصولات لبنی افزایش می‌یابد، برخی کارخانه‌ها بلافاصله قیمت‌ها را بالا می‌برند تا از زیان جلوگیری کنند، اما برخی دیگر برای حفظ سهم بازار، قیمت‌ها را ثابت نگه می‌دارند و با تأخیر اقدام به اصلاح قیمت می‌کنند. این رفتار باعث جابه‌جایی سهم بازار میان تولیدکنندگان و شکل‌گیری موج‌های قیمتی در بازه‌های زمانی مختلف می‌شود؛ موج‌هایی که از بیرون به‌صورت افزایش‌های مکرر دیده می‌شوند و اعتماد عمومی را نسبت به ثبات بازار لبنیات کاهش می‌دهند.

از سوی دیگر، بسیاری از این شرکت‌ها با چالش تأمین مواد اولیه مواجه‌اند. تنها ۴۵درصد نیاز صنعت از طریق بورس کالا تأمین می‌شود و ۵۵درصد باقی مانده باید از بازار آزاد تهیه شود، بازاری که تحت تأثیر نوسانات ارزی و عرضه محدود، قیمت‌هایی به‌مراتب بالاتر از نرخ مصوب دارد. این شکاف میان قیمت رسمی و واقعی، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده و حاشیه سود آن‌ها را به حداقل رسانده است.

در چنین شرایطی، صادرات لبنیات نیز با وجود رشد نسبی، به یک شمشیر دو لبه تبدیل شده است. سال گذشته، صادرات لبنیات به بیش از یک میلیارد دلار رسید و پیش‌بینی می‌شود امسال با رشد ۲۵تا ۳۰درصدی همراه باشد. اما این رشد، در کنار ارزآوری و اشتغال‌زایی، به معنای کاهش سهم لبنیات در سفره خانوار ایرانی نیز هست. علاوه بر آن، بازگشت ارز حاصل از صادرات با سخت‌گیری‌های شدید مواجه شده و هزینه تعهد ارزی برای هر دلار صادراتی بین ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان برآورد می‌شود. این فشارها موجب شده که صادرکنندگان نیز در وضعیت شکننده‌ای قرار گیرند و سودآوری واقعی آن‌ها زیر سوال برود.

در مجموع، بازار لبنیات ایران در وضعیت تعلیق قرار دارد؛ از یک‌سو با کاهش مصرف در دهک‌های پایین و از سوی دیگر با فشارهای تولیدی و رقابت‌های ناسالم در میان ۳۵۰ تولیدکننده داخلی. اگر دولت قصد دارد توصیه رهبر معظم انقلاب درباره تثبیت قیمت کالاهای اساسی را به‌طور واقعی اجرا کند، باید به‌جای سرکوب قیمتی، به اصلاح ساختار بازار، هدفمند کردن یارانه‌ها و ایجاد ثبات در تأمین مواد اولیه اقدام کند. صنعت لبنیات، ستون تغذیه ملی است و اگر این ستون فرو بریزد، تبعات آن نه‌تنها اقتصادی، بلکه اجتماعی و بهداشتی خواهد بود.

با افزایش ۲۸ درصدی قیمت شیر خام، جهش ۴۰ درصدی تورم، هزینه ماهانه برای تأمین لبنیات یک خانواده چهار نفره به ۲.۵ میلیون تومان رسیده که ۲۰ درصد دستمزد وزارت کار است، به همین دلیل لبنیات در حال خروج از سفره اقشار کم‌درآمد است؛ در حالی که دولت سالانه ۸ میلیارد دلار یارانه نهاده دامی پرداخت می‌کند، اما این حمایت هرگز به محصول نهایی نمی‌رسد

بازار داغ تعمیرات فصلی در تهران؛ از کولرهای تابستانی تا پکیج‌های زمستانی

رونق بازار آچار به دست‌ها

گرانی کالاهای نو، خانواده‌ها را به سمت تعمیرکاران سوق داده و مشاغل فنی را به پناهگاه تازه معیشت تبدیل کرده است

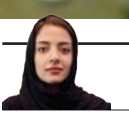

مونا موسوی
هفت صبح

در شرایطی که تورم مزمن به یکی از پایدارترین ویژگی‌های اقتصاد ایران تبدیل شده، الگوی انتخاب شغل نیز دستخوش تغییرات بنیادین شده است. افراد دیگر صرفا به دنبال امنیت شغلی یا علاقه‌مندی نیستند، بلکه به‌دنبال مشاغلی می‌گردند که بتوانند از نوسانات قیمتی و افزایش هزینه‌ها، نه‌تنها آسیب نبینند بلکه سود ببرند. در چنین فضایی، مشاغل خدماتی و فنی مانند تعمیرات، به‌ویژه در حوزه‌هایی که کالاهای مصرفی گران شده‌اند، به یکی از پناهگاه‌های اقتصادی طبقات متوسط و فنی‌کاران تبدیل شده‌اند. در شرایطی که خرید کالای نو برای بسیاری از خانوارها دشوار است، تعمیر و نگهداری به گزینه اصلی تبدیل شده و همین موضوع، تقاضا برای خدمات تعمیراتی را به‌شدت افزایش داده است.

درآمد تعمیرکاران

درآمد تعمیرکاران بسته به نوع تخصص، محل فعالیت و مدل کسب‌وکار متفاوت است. تعمیرکار موبایل در مناطق پرتردد مانند جمهوری، علاالدین یا ستارخان، با مهارت در تعویض قطعات، تعمیر برد و نرم‌افزار، می‌تواند ماهانه بین ۵۰ تا ۸۰ میلیون تومان درآمد خالص داشته باشد. در دوره‌های نوسان ارزی، تقاضا برای تعمیر به‌جای تعویض گوشی افزایش می‌یابد و درآمد تعمیرکاران نیز جهش می‌کند. تعمیرکار خودرو، به‌ویژه در حوزه‌های تخصصی مانند برق خودرو، ECU، جلوبندی یا گیربکس، در مناطق صنعتی مانند شوش، یافت‌آباد یا تهران‌پارس، درآمدی تا ۱۵۰ میلیون تومان در ماه دارد. برخی تعمیرگاه‌های تخصصی با قراردادهای شرکتی یا خدمات VIP، درآمدی فراتر از این رقم را تجربه می‌کنند. تعمیرکار لوازم خانگی، به‌ویژه در حوزه یخچال، ماشین لباسشویی و کولرهای گازی، در فصل‌های پرتقاضا مانند تابستان، درآمدی بیش از ۶۰ میلیون تومان دارد. تعمیرکارانی که با برندهای خاص یا نمایندگی‌ها همکاری دارند، درآمد بالاتری کسب می‌کنند. در حوزه‌های صنعتی یا اداری مانند پرینتر، دستگاه‌های CNC یا تجهیزات پزشکی، درآمد تعمیرکاران در صورت داشتن قراردادهای سازمانی، می‌تواند بین ۸۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان در ماه باشد، اما ورود به این حوزه نیازمند تخصص بالا و مجوزهای خاص است.

درآمد تعمیرات فصلی

یکی از شاخه‌های مهم و پرنوسان این حرفه، تعمیرات فصلی است؛ حوزه‌ای که با تغییرات آب‌وهوایی، تقاضا و درآمد آن به‌شدت متغیر می‌شود. تعمیرکاران کولرهای آبی و گازی، اسپلیت، پکیج، بخاری و شوفاژ، در ماه‌های خاصی از سال با موجی از سفارش‌ها مواجه می‌شوند و در سایر ماه‌ها، گاه با رکود کامل.

در فصل تابستان، تعمیرکاران کولرهای گازی و آبی، به‌ویژه در مناطق گرم‌تر تهران مانند جنوب شهر، با حجم بالایی از درخواست‌ها مواجه‌اند. در ماه‌های خرداد تا شهریور، درآمد این گروه می‌تواند به‌طور میانگین بین ۳۰ تا ۸۰ میلیون تومان در ماه برسد. تعمیرکارانی که به‌صورت مستقل یا از طریق پلتفرم‌های خدماتی فعالیت می‌کنند، در روزهای اوج گرما، روزانه تا ۱۰سفارش را پاسخ می‌دهند. نصب، سرویس، شارژ گاز، تعویض قطعات و حتی مشاوره خرید، از جمله خدماتی است که در این فصل با نرخ‌های شناور ارائه می‌شود. برخی تعمیرکاران حرفه‌ای با سابقه بالا، در تابستان درآمدی معادل یک سال کاری در سایر مشاغل کسب می‌کنند.

در مقابل، با آغاز فصل سرما، تقاضا برای تعمیرات وسایل گرمایشی مانند پکیج، شوفاژ، بخاری و سیستم‌های گرمایش مرکزی افزایش می‌یابد. در ماه‌های مهر تا دی، تعمیرکاران پکیج و شوفاژ، به‌ویژه در مناطق شمالی و مرکزی تهران، با موجی از تماس‌ها مواجه‌اند. درآمد این گروه نیز در فصل سرد، بسته به تخصص و سرعت پاسخگویی، بین ۴۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان در ماه متغیر است. تعمیرکارانی که در نصب و سرویس پکیج‌های دیواری یا زمینی تخصص دارند، معمولا با برندهای خاص همکاری می‌کنند و نرخ خدمات آن‌ها بالاتر است.

اما این رونق فصلی، با چالش‌هایی نیز همراه است. نخست، نوسان شدید درآمد در طول سال باعث می‌شود که تعمیرکاران فصلی نیازمند مدیریت مالی دقیق باشند. بسیاری از آن‌ها در فصل کم‌تقاضا، به مشاغل مکمل مانند نصب پنل‌های خورشیدی، تعمیرات عمومی یا همکاری با فروشگاه‌های تجهیزات گرمایشی و سرمایشی روی می‌آورند. دوم، رقابت در فصل‌های اوج بسیار شدید است و تعمیرکارانی که فاقد برند شخصی، تبلیغات موثر یا حضور در پلتفرم‌های آنلاین هستند، ممکن است سهم کمتری از بازار داشته باشند.

نکته مهم دیگر، وابستگی شدید این شاخه از تعمیرات به مهارت عملی و سرعت عمل است. مشتریان در فصل گرما یا سرما، تحمل تأخیر ندارند و تعمیرکارانی که بتوانند در کمتر از ۲۴ ساعت پاسخ‌گو باشند، معمولا درآمد بالاتری کسب می‌کنند. همچنین، سرمایه اولیه برای ورود به این حوزه نسبتا پایین است؛ با حدود ۳۰ تا ۸۰ میلیون تومان می‌توان ابزارهای لازم برای تعمیر کولر یا پکیج را تهیه کرد. بسیاری از فعالان این حوزه، بدون مغازه و صرفا با یک موتور یا خودرو شخصی، خدمات در محل ارائه می‌دهند و از هزینه‌های اجاره معاف‌اند.

در مجموع، تعمیرات فصلی در تهران، اگرچه وابسته به تقویم آب‌وهوایی است، اما در دوره‌های اوج تقاضا، یکی از پردرآمدترین شاخه‌های مشاغل فنی محسوب می‌شود. این حوزه، با سرمایه کم، مهارت متوسط و انعطاف‌پذیری بالا، می‌تواند برای جوانان جویای کار، یک مسیر اقتصادی و قابل رشد باشد، به‌شرط آن‌که با برنامه‌ریزی مالی، تبلیغات موثر و ارتقاء مهارت‌های تخصصی همراه شود.

چقدر زمان می‌برد تعمیرکار حرفه‌ای شویم؟

برای تبدیل شدن به یک تعمیرکار حرفه‌ای، مسیر آموزش بسته به صنف متفاوت است. در صنف موبایل، دوره‌های مهارت‌آموزی بین ۶ ماه تا یک سال کافی است. بسیاری از آموزشگاه‌ها دوره‌های فشرده برگزار می‌کنند و پس از آن، شاگردی در مغازه‌های پرتردد رایج است. در صنف خودرو، مسیر طولانی‌تر است. برای تخصص در برق خودرو یا گیربکس، معمولا ۲ تا ۵ سال شاگردی یا کارآموزی لازم است. برخی تعمیرکاران از هنرستان‌های فنی یا دانشگاه‌های علمی کاربردی وارد این حوزه می‌شوند. در صنف لوازم خانگی، دوره‌های مهارت‌آموزی بین ۳ تا ۱۲ ماه کافی است، اما تجربه میدانی و کار عملی اهمیت بالایی دارد. در حوزه‌های صنعتی، مسیر ورود پیچیده‌تر است و نیاز به مدرک دانشگاهی، گواهی‌های تخصصی و تجربه کاری دارد.

سرمایه مورد نیاز تعمیرکاران

برخلاف مغازه‌داری که نیازمند سرمایه‌های میلیاردی است، ورود به شغل تعمیرات با سرمایه‌ای به‌مراتب کمتر ممکن است. برای راه‌اندازی یک واحد تعمیر موبایل، سرمایه‌ای تا ۲۵۰ میلیون تومان کافی است. این رقم شامل ابزار تخصصی، میز کار، تجهیزات تست و اجاره مغازه است. در پاساژهای تخصصی، اجاره مغازه بین ۲۰ تا ۸۰ میلیون تومان در ماه متغیر است. برای تعمیرگاه خودرو، سرمایه اولیه تا ۱.۵ میلیارد تومان لازم است. تجهیزات سنگین مانند جک، دستگاه دیاگ، ابزار مکانیکی و فضای کار، بخش عمده این هزینه را تشکیل می‌دهند. اجاره تعمیرگاه در مناطق صنعتی تا ۱۰۰ میلیون تومان در ماه است. برای تعمیر لوازم خانگی، سرمایه‌ای تا ۲۰۰ میلیون تومان کافی است. بسیاری از تعمیرکاران با مدل «در محل مشتری» فعالیت می‌کنند و نیازی به مغازه ندارند. در حوزه‌های صنعتی بسته به نوع تجهیزات و مجوزهای لازم، سرمایه اولیه می‌تواند به بیش از یک میلیارد تومان برسد.

پلتفرم‌های خدماتی تعمیرات

در سال‌های اخیر، پلتفرم‌های خدماتی بستری برای فعالیت تعمیرکاران آنلاین فراهم کرده‌اند. این تعمیرکاران بدون نیاز به مغازه، با دریافت سفارش از طریق اپلیکیشن، به محل مشتری مراجعه می‌کنند. درآمد تعمیرکاران آنلاین بسته به تعداد سفارش، تخصص و امتیاز کاربری متفاوت است. برخی تعمیرکاران فعال در این پلتفرم‌ها، ماهانه بین ۲۰ تا ۷۰ میلیون تومان درآمد دارند. مزیت این مدل، حذف هزینه اجاره، تبلیغات و جذب مشتری است. اما چالش‌هایی مانند رقابت شدید، کمیسیون پلتفرم و نوسان سفارش‌ها نیز وجود دارد.

در مجموع، شغل تعمیرات با سرمایه اولیه کمتر، ریسک پایین‌تر و بازدهی قابل قبول، به یکی از مسیرهای جذاب برای جوانان تبدیل شده است. برخلاف مغازه‌داری که نیازمند سرمایه‌های سنگین و تحمل هزینه‌های جاری بالا است، تعمیرکاری با مهارت، ابزار مناسب و مدل کسب‌وکار منعطف، می‌تواند درآمدی پایدار و رو به رشد داشته باشد. با حمایت از آموزش‌های فنی، تسهیل مجوزها و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، می‌توان شغل تعمیرات را به یکی از ستون‌های اقتصاد خرد تبدیل کرد، شغلی که نه‌تنها در برابر تورم مقاوم است، بلکه با خلق ارزش واقعی، به تقویت تولید و کاهش وابستگی به واردات کمک می‌کند.

در شرایطی که تورم مزمن اقتصاد ایران را فرا گرفته، مشاغل فنی و خدماتی مانند تعمیرات، به‌ویژه در حوزه‌های پرمصرف مانند موبایل، لوازم خانگی، خودرو و تجهیزات صنعتی، به یکی از مسیرهای جذاب کسب درآمد تبدیل شده‌اند. درآمد ماهانه برخی تعمیرکاران در تهران بین ۵۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان می‌رسد، آن‌هم با سرمایه‌ای به‌مراتب کمتر از یک میلیارد

امضای شیوه‌نامه جدید میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای روزنه‌ای به کاهش تنش‌ها گشوده است

توافق قاهره؛ گامی محتاطانه در دیپلماسی هسته‌ای

تهران می‌کوشد با حفظ تعهدات پادمانی همزمان استقلال و امنیت تأسیسات خود را حفظ کند

گروه سیاسی | ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصر توافقنامه‌ای برای شیوه‌نامه جدید همکاری‌ها به امضا رساندند؛ اقدامی که پس از چند ماه گفت‌وگوهای فنی و دیپلماتیک، زمینه بازگشت همکاری‌ها و از سرگیری کنترل پادمانی را فراهم می‌کند. این توافق، مسیر برای مذاکرات گسترده‌تر و دستیابی به تفاهم‌های جامع‌تر در آینده را باز می‌کند و نشان‌دهنده اراده تهران برای تعامل کنترل‌شده و منظم با نهاد بین‌المللی است. با فاصله کمتر از سه هفته تا احتمال بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت، تحولات اخیر در مذاکرات ایران و آژانس روزنه‌ای جدید ایجاد کرده است. برخلاف پیش‌بینی‌هایی که براساس لحن گزارش‌های اخیر آژانس و تجربیات نشست خردادماه، انتظار تکرار بن‌بست داشتند، امضای شیوه‌نامه جدید همکاری در مصر و یادداشت توضیحی ایران نشان می‌دهد که روند گفت‌وگوها مسیر مشخصی یافته است. این روند هنوز شکننده است و راه زیادی تا رسیدن به نقطه ایده‌آل باقی مانده اما خطوط اولیه توافق، چشم‌انداز محدودی از امید را ترسیم می‌کند. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، با اشاره به پیشرفت مذاکرات، تأکید کرده که همکاری‌ها می‌تواند به سرعت احیا شود؛ در حالی که ایران نیز در مواضع خود نشان داده آماده ارائه تضمین‌های ملموس در زمینه محدودیت‌های غنی‌سازی و نظارت دقیق در ازای لغو تحریم‌ها است. عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، طی یادداشتی در گاردین بر آمادگی تهران برای توافقی واقعی و پایدار تأکید کرده است. با این حال، چالش‌های اصلی، شامل نحوه دسترسی به تأسیسات آسیب‌دیده، محل ذخایر اورانیوم غنی‌شده، سازوکارهای فنی بازرسی و از همه مهمتر آینده مذاکرات با ترویکا و ایالات متحده بر سر موضوعات مختلف باقی مانده است. این مسائل، نه‌تنها حساسیت‌های فنی بلکه پیامدهای سیاسی و امنیتی دارند و هر تصمیمی در این زمینه می‌تواند بر اعتبار توافق و روند دیپلماسی هسته‌ای تأثیرگذار باشد. در مجموع، تحولات اخیر نشان می‌دهد که علی‌رغم تنش‌ها و اختلافات، امکان پیشروی در مسیر تعامل با آژانس وجود دارد و این موضوع می‌تواند زمینه‌ای برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کند.

پیشرفت مذاکرات ایران و آژانس در شورای حکام؛ امید شکننده برای از سرگیری همکاری‌ها

نشست فصلی شورای حکام آژانس، با تمرکز بر بررسی برنامه هسته‌ای ایران، تصویر روشنی از روند مذاکرات ارائه کرد. ارزیابی گروسی نشان می‌دهد که گفت‌وگوهای فنی چند هفته اخیر، علی‌رغم پیچیدگی‌های ناشی از حملات به تأسیسات ایران، توانسته خطوط اولیه همکاری را تثبیت کند. تحلیل روندهای اخیر حکایت از آن دارد که ایران و آژانس در حال تعیین چارچوب‌هایی برای گام‌های عملی مشترک هستند، با هدف از سرگیری نظارت‌ها و بازگرداندن تدریجی فعالیت‌های پادمانی.

باوجود پیشرفت‌ها، فاصله تا نقطه ایده‌آل همچنان محسوس است. چالش‌های فنی، شامل نحوه دسترسی به تأسیسات آسیب‌دیده و شفافیت در محل مواد غنی‌شده، هنوز باقی مانده و می‌تواند مسیر را شکننده کند. به موازات این مسائل، فاکتورهای سیاسی و امنیتی نیز نقش تعیین‌کننده دارند؛ هرگونه تصمیم داخلی ایران یا واکنش بین‌المللی می‌تواند توازن شکننده مذاکرات را تغییر دهد. پیرو این نکته نحوه تصمیم‌گیری هر کدام از بازیگران از تهران گرفته تا ترویکا، واشنگتن و مخصوصا تل‌آویو می‌تواند همه چیز را تحت‌الشعاع قرار دهد. در این میان، تحلیل روندهای گذشته و تصمیمات اخیر ایران نشان می‌دهد که تهران تلاش دارد با حفظ

> ۷
>
> **امضای شیوه‌نامه جدید همکاری در مصر نشان می‌دهد روند گفت‌وگوها مسیر مشخص اما شکننده‌ای یافته و راه زیادی تا رسیدن به نقطه ایده‌آل باقی مانده اما خطوط اولیه توافق، چشم‌انداز محدودی از امید را ترسیم می‌کند. چالش‌های اصلی، شامل نحوه دسترسی به تأسیسات آسیب‌دیده، محل ذخایر اورانیوم غنی‌شده، سازوکارهای فنی بازرسی و از همه مهمتر آینده مذاکرات با ترویکا و ایالات متحده بر سر موضوعات مختلف باقی مانده است.**

تعهدات پادمانی و تأمین نیازهای آژانس، همزمان استقلال و امنیت تأسیسات خود را حفظ کند. این رویکرد هوشمندانه می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد اعتماد محدود و مرحله‌ای میان طرفین باشد. اگر این چارچوب به درستی اجرا شود، امکان دستیابی به توافقی فنی و قابل پیاده‌سازی در کوتاه‌مدت فراهم می‌شود و پایه‌ای برای مذاکرات گسترده‌تر و بلندمدت ایجاد خواهد کرد.

ضرورت احیای بازرسی‌ها و چالش دسترسی به تأسیسات

تحلیل محتوای کنفرانس خبری روز دوشنبه هفته جاری گروسی پس از نشست فصلی نشان می‌دهد که مدیرکل آژانس بر ضرورت از سرگیری بازرسی‌ها امید دارد و معتقد است این اقدام نه‌تنها الزامی فنی، بلکه پیامدهای گسترده سیاسی و امنیتی دارد. وی هشدار داده که تأخیر در احیای نظارت‌ها می‌تواند نه‌تنها روند اعتمادسازی را مختل کند، بلکه فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای را افزایش دهد.

از منظر عمیق‌تر، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها نحوه دسترسی به تأسیسات آسیب‌دیده است. این مسئله نه‌تنها به لحاظ فنی پیچیده است بلکه پیامدهای حقوقی و سیاسی نیز دارد. هرگونه اقدام شتاب‌زده یا بدون هماهنگی می‌تواند روند مذاکرات را به عقب بازگرداند. تحلیل وضعیت نشان می‌دهد که گروسی با تمرکز بر مذاکرات فنی و مرحله‌ای، قصد دارد از یک رویکرد مرحله‌ای و کنترل‌شده استفاده کند تا اعتماد متقابل محدود شکل گیرد.

در عین حال، این گفته‌های گروسی در نشست خبری نشان داد که آژانس تلاش دارد با حفظ بی‌طرفی فنی و محدود کردن مداخله سیاسی، امکان تعامل پایدار با ایران را ایجاد کند. تحلیل روند مذاکرات و مواضع گروسی حاکی از آن است که مسیر هموار نیست اما با اجرای گام‌های تدریجی و توافق بر چارچوب‌های مشخص، امکان کاهش تنش‌ها و پیشبرد همکاری‌ها وجود دارد.

ابهامات محل مواد هسته‌ای و چشم‌انداز توافق؛ تحلیل سناریوهای پیش رو

با وجود توافقنامه جدید و پیشرفت مذاکرات، چالش‌های اصلی در حوزه محل ذخایر اورانیوم غنی‌شده و نحوه نظارت باقی مانده است. تحلیل کارشناسان نشان می‌دهد که این موضوع نه‌تنها بعد فنی دارد بلکه پیامدهای ژئوپلیتیکی و حقوقی نیز در پی دارد. فشار کشورهای اروپایی برای اعلام محل دقیق مواد، در حالی است که ایران بر رعایت حقوق پادمانی و حفظ امنیت تأسیسات خود تأکید دارد. از منظر ارزیابی سیاسی، روند مذاکرات اخیر موید آن است که تهران به دنبال یک رویکرد مرحله‌ای است؛ تضمین شفافیت محدود و قابل کنترل در ازای حفظ استقلال و امنیت تأسیسات. این رویکرد می‌تواند زمینه‌ای برای توافق موقت و از سرگیری نظارت‌ها فراهم کند اما دستیابی به توافق جامع‌تر و بلندمدت نیازمند هماهنگی با آمریکا و مدیریت فشارهای بین‌المللی است. تحلیل روند مذاکرات و گزارش‌های رسانه‌ای حاکی از آن است که حتی در صورت دستیابی به توافق فنی با آژانس، تنها بخشی از مسیر تمدید اسنپ‌بک پوشش داده می‌شود و تعامل مستقیم تهران با واشنگتن بخش دیگری از معادله است. از این رو، هر پیشرفت در مذاکرات فنی باید با مدیریت دقیق سیاست خارجی و دیپلماسی منطقه‌ای ترکیب شود تا اثرگذاری عملی داشته باشد و از تشدید تنش‌ها جلوگیری کند.

ورود هیئت بلندپایه روسیه به دمشق در شرایط پسااسد

بازی با مهره‌های تازه در زمین قدیمی

روسیه نمی‌خواهد سقوط حکومت بشار اسد به خلأ قدرتی منجر شود که زمینه را برای نفوذ بازیگران رقیب فراهم کند

ورود غیرمنتظره یک هیئت بلندپایه روسی به ریاست الکساندر نوواک، معاون نخست‌وزیر روسیه، به دمشق در حالی صورت گرفت که سوریه پس از سقوط حکومت بشار اسد وارد مرحله‌ای حساس و سرنوشت‌ساز شده است. احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت، در نخستین مواضع خود پیش‌شرط بازسازی روابط با روسیه را استرداد بشار اسد عنوان کرده بود؛ شرطی که به نظر می‌رسید می‌تواند مناسبات مسکو و دمشق را به چالش بکشد. با این حال، روند تحولات هفته‌های اخیر و نیاز فوری سوریه به بازسازی زیرساخت‌ها، تأمین امنیت و مهار بحران‌های اقتصادی، معادلات را تغییر داده است. به نظر می‌رسد دمشق و مسکو اکنون براساس درک مشترکی از منافع راهبردی، این پیش‌شرط را کنار گذاشته‌اند و تمرکز خود را برهمکاری‌های کلان امنیتی، اقتصادی و نظامی گذاشته‌اند.

منابع آگاه در دمشق می‌گویند مذاکرات اخیر با هیئت روسی علاوه بر مسائل اقتصادی و نظامی، برآینده حضور روسیه در سوریه و نقش این کشور در تثبیت دولت موقت نیز متمرکز بوده است. این امر نشان می‌دهد که مسکو در حال بازتعریف نقش خود در معادلات سوریه پساآسدی است؛ نقشی که فراتر از شخص بشار اسد و حتی حکومت‌های موقت تعریف می‌شود.

انقضای پیش‌شرط استرداد اسد و آغاز فصل جدید همکاری‌ها

در شرایطی که ابتدا گمان می‌رفت استرداد بشار اسد از روسیه به دمشق به محور اصلی تنش در روابط دو کشور تبدیل شود، تحولات میدانی و فشارهای امنیتی و اقتصادی به‌سرعت این معادله را تغییر داد. حکومت موقت سوریه به ریاست احمد الشرع در مواجهه با تهدیدهای امنیتی ناشی از حملات رژیم صهیونیستی، حضور گروه‌های مسلح در مناطق شمالی و بحران انسانی گسترده، دریافت که احیای روابط راهبردی با روسیه برای تثبیت کشور از هر اولویت دیگری مهم‌تر است. به همین دلیل، منابع نزدیک به دولت موقت می‌گویند که مطالبه استرداد بشار اسد اکنون دیگر به عنوان شرط محوری مطرح نیست و دمشق می‌داند که بدون همکاری روسیه، بازسازی ارتش، بازگرداندن ثبات اقتصادی و مقابله با تهدیدهای خارجی دشوار خواهد بود.

روسیه نیز که از سال ۲۰۱۵ به بعد سرمایه‌گذاری بزرگی در سوریه انجام داده، تمایلی به گره‌زدن حضور خود به سرنوشت یک فرد ندارد. مسکو در پی تثبیت جایگاه منطقه‌ای خود است و دمشق، چه در دوره اسد و چه پس از او، برای روسیه نقطه‌ای کلیدی در راهبرد غرب آسیاست. این نگاه باعث شده که دو طرف اکنون بر همکاری‌های راهبردی بلندمدت تمرکز کنند و پرونده بشار اسد را در اولویت‌های فرعی قرار دهند.

معادلات جدید پسااسد و نقش مسکو در آینده سوریه

تحلیلگران معتقدند ورود هیئت بلندپایه روسی به دمشق در این مقطع نشان‌دهنده تلاش مسکو برای مدیریت گذار سیاسی در سوریه است. روسیه نمی‌خواهد سقوط حکومت بشار اسد به خلأ قدرتی منجر شود که زمینه را برای نفوذ بازیگران رقیب فراهم کند. بنابراین، حمایت از دولت موقت احمد الشرع و ایجاد ساختارهای امنیتی و اقتصادی پایدار در دستور کار مسکو قرار گرفته است.

همچنین، تغییر معادلات پسا اسد باعث شده که روابط دمشق و مسکو وارد مرحله‌ای جدید شود؛ مرحله‌ای که در آن نه فقط همکاری‌های نظامی بلکه بازسازی اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها و بازگرداندن سوریه به مدار روابط منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد. روسیه با این نگاه، سوریه را بخشی از نظم جدید منطقه‌ای می‌بیند که می‌تواند موازنه قدرت در برابر آمریکا و متحدانش را تغییر دهد.

در نتیجه، حتی اگر موضوع بشار اسد زمانی حساسیت‌برانگیز بود، اکنون جای خود را به ملاحظات کلان‌تر داده است. دمشق و مسکو هر دو دریافته‌اند که آینده سوریه پسااسد نیازمند ثبات، همکاری‌های چندجانبه و حمایت قدرت‌های بزرگ است و روسیه می‌تواند مهم‌ترین شریک این روند باشد. به این ترتیب، سفر اخیر هیئت روسی را باید نقطه عطفی در آغاز همکاری‌های راهبردی جدید دانست که نه بر سرنوشت افراد، بلکه بر منافع ژئوپلیتیک و امنیتی مشترک متمرکز است.

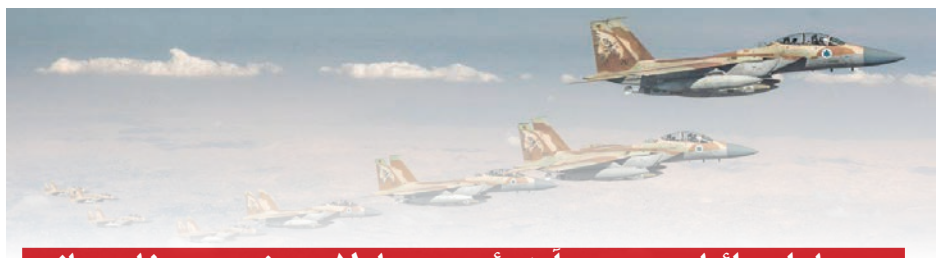

حمله اسرائیل به دوحه و آیندهٔ مبهم معادلات پیش روی خاورمیانه

قطار صلح قطر متوقف شد

واکنش سریع و گسترده کشورهای عربی نشان داد که محاسبه اسرائیل می‌تواند نتیجه معکوس بدهد

حسین فاطمی
هفت صبح

حمله عصر سه‌شنبه اسرائیل به دوحه و هدف قرار دادن محل اقامت مقامات ارشد حماس، نه‌تنها فضای سیاسی منطقه را ملتهب کرده بلکه سرنوشت مذاکرات آتش‌بس در غزه را در ابهامی کم‌سابقه فرو برده است. قطر که در سال‌های اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین میانجی‌های بحران غزه ایفای نقش کرده، پس از این اقدام بی‌سابقه تل‌آویو تصمیم گرفت میانجیگری خود را تعلیق کند؛ تصمیمی که می‌تواند آینده هرگونه توافق احتمالی میان حماس و اسرائیل را به تأخیر بیندازد یا حتی به بن‌بست بکشاند. این در حالی است که تا لحظه تنظیم این گزارش، هیچ خبر رسمی درباره شهادت مقامات ارشد حماس منتشر نشده و منابع نزدیک به این جنبش تأکید دارند که رهبران سیاسی آن از حمله جان سالم به در برده‌اند.

البته خبرهای واصله حکایت از آن دارد که در حمله هوایی به نشست رهبران حماس در دوحه، پنج نفر به شهادت رسیدند. خبرگزاری شهاب، اسامی این شهدا را جهاد لبد (ابو بلال) مدیر دفتر خلیل الحیه، همام الحیه پسر خلیل الحیه، عبدالله عبدالواحد (ابو خلیل) همراه باسم نعیم، مومن حسونه (ابوعمر) و احمد عبدالمالک (ابو مالک) اعلام کرد که نشان می‌دهد در میان شهدا نامی از رهبران اصلی حماس دیده نمی‌شود. با این حال، در صورت وقوع سناریوی ترور رهبران باقی مانده حماس، پیامدهای آن می‌تواند هم بر آینده رهبری این جریان (حماس) و هم بر معادلات امنیتی و سیاسی غزه تأثیرات عمیقی بگذارد.

از سوی دیگر، محکومیت یکپارچه این حمله از سوی کشورهای عربی و حتی برخی مراجع بین‌المللی، نشان‌دهنده ورود منطقه به مرحله‌ای تازه از معادلات شکننده است که در آن، اقدامات نظامی اسرائیل نه‌تنها با واکنش فلسطینیان بلکه با مخالفت گسترده جهان عرب مواجه می‌شود. همزمان، گزارش‌هایی درباره آگاهی قبلی آمریکا از این حمله و چراغ سبز تلویحی واشنگتن به تل‌آویو، پرسش‌های جدی درباره نقش ایالات متحده در بی‌ثباتی‌های اخیر خاورمیانه مطرح کرده است. در این میان، آینده مذاکرات آتش‌بس، رهبری حماس و حتی جایگاه قطر به‌عنوان میانجی معتبر منطقه‌ای، اکنون بیش از هر زمان دیگری در معرض عدم قطعیت قرار گرفته است.

حمله به دوحه؛ چرخشی خطرناک در معادلات امنیتی خاورمیانه

حمله مستقیم اسرائیل به خاک قطر، نقطه عطفی در رفتار امنیتی این رژیم محسوب می‌شود. در گذشته، تل‌آویو عملیات برون‌مرزی خود را عمدتاً محدود به کشورهای همسایه مانند سوریه و لبنان می‌کرد؛ اما هدف قرار دادن دوحه، آن هم در کشوری که پایگاه‌های نظامی آمریکا و مراکز دیپلماتیک غربی در آن مستقر است، نشان می‌دهد اسرائیل وارد مرحله‌ای جدید از سیاست تهاجمی شده است.

از منظر ژئوپلیتیک، این اقدام حامل پیام‌های متعددی است؛ نخست، تل‌آویو قصد دارد نشان دهد که هیچ مرزی برای تعقیب رهبران مقاومت نمی‌شناسد و می‌تواند حتی در قلب امن‌ترین پایتخت‌های عربی عملیات انجام دهد. دوم، این حمله نوعی نمایش قدرت در برابر محور مقاومت و حتی برخی کشورهای عربی است که در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند میانجی صلح باشند. در واقع، اسرائیل با این اقدام می‌خواهد به بازیگران منطقه‌ای بفهماند که امنیت آنها در گرو تصمیمات تل‌آویو خواهد بود و هرگونه حمایت از گروه‌های مقاومت می‌تواند هزینه‌زا باشد.

با این حال، واکنش سریع و گسترده کشورهای عربی نشان داد که این محاسبه اسرائیل می‌تواند نتیجه معکوس بدهد. از عربستان و مصر گرفته تا اردن و امارات، تقریباً همه بازیگران عربی این حمله را نقض آشکار حاکمیت قطر و تهدیدی برای امنیت جمعی منطقه دانستند. حتی کشورهایی که در سال‌های اخیر روابط خود با تل‌آویو را عادی کرده بودند، این بار ناچار شدند در کنار دوحه بایستند. این همگرایی بی‌سابقه می‌تواند به تقویت گفتمان ضداسرائیلی در جهان عرب منجر شود و تل‌آویو را در انزوای سیاسی تازه‌ای قرار دهد.

پیامدهای دیپلماتیک از تعلیق میانجیگری قطر تا فشار بر آمریکا

یکی از مهم‌ترین تبعات این حمله، تصمیم قطر برای تعلیق میانجیگری در مذاکرات آتش‌بس میان حماس و اسرائیل است. قطر در سال‌های اخیر با میزبانی دفتر سیاسی حماس و برقراری کانال‌های ارتباطی با غرب، نقش بی‌بدیلی در کاهش تنش‌ها ایفا کرده بود اما حمله اخیر عملاً این نقش را زیر سؤال برده و جایگاه دوحه را به عنوان میانجی بی‌طرف تضعیف کرده است.

از منظر دیپلماتیک، این تحول می‌تواند معادلات غزه را پیچیده‌تر کند. در غیاب میانجی‌گری قطر، احتمالاً مصر یا ترکیه تلاش خواهند کرد خلأ ایجادشده را پر کنند، اما هیچ‌کدام از این کشورها روابط و اعتماد متقابل میان دوحه و حماس را در اختیار ندارند. این مسئله می‌تواند روند هرگونه توافق آتش‌بس را به تأخیر بیندازد و حتی احتمال از سرگیری درگیری‌ها را افزایش دهد. نکته مهم دیگر، نقش آمریکا در این ماجراست. گزارش‌هایی مبنی بر آگاهی واشنگتن از این حمله و حتی چراغ سبز تلویحی دولت آمریکا، انتقادات گسترده‌ای را در جهان عرب و میان افکار عمومی برانگیخته است. بسیاری معتقدند حمایت ضمنی آمریکا از اقدامات اسرائیل، اعتبار واشنگتن را به‌عنوان بازیگری که مدعی صلح در خاورمیانه است، بیش از پیش خدشه‌دار می‌کند. این موضوع می‌تواند به نزدیکی بیشتر برخی کشورهای عربی به قدرت‌های رقیب آمریکا مانند چین و روسیه منجر شود؛ کشورهایی که در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند با میانجیگری در بحران‌های منطقه‌ای، جایگاه دیپلماتیک خود را تقویت کنند.

ابعاد حقوقی و چالش مشروعیت بین‌المللی اسرائیل

از منظر حقوق بین‌الملل، حمله نظامی به خاک کشوری مستقل بدون مجوز شورای امنیت یا رضایت دولت میزبان، نقض آشکار اصل حاکمیت ملی و تمامیت ارضی است؛ اصلی که در منشور سازمان ملل به‌صراحت بر آن تأکید شده است. به همین دلیل، محکومیت سریع این حمله از سوی دبیرکل سازمان ملل و اتحادیه عرب امری قابل پیش‌بینی بود.

در سال‌های اخیر، اسرائیل با تکیه بر حمایت‌های آمریکا توانسته بسیاری از اقدامات خود در سرزمین‌های اشغالی را از پیگیری‌های حقوقی مصون نگه دارد. اما حمله به دوحه می‌تواند پرونده‌ای تازه علیه این رژیم در محافل حقوقی بین‌المللی بگشاید. حتی اگر این پرونده‌ها در عمل به نتیجه‌ای نرسند، می‌توانند هزینه‌های سیاسی و تبلیغاتی سنگینی برای تل‌آویو به همراه داشته باشند.

علاوه بر این، اقدام اسرائیل می‌تواند تلاش‌های غرب برای عادی‌سازی روابط اعراب و تل‌آویو را با مشکل مواجه کند. کشورهایی مانند عربستان که در حال بررسی گام‌های بعدی در روابط با اسرائیل بودند، اکنون تحت فشار افکار عمومی قرار گرفته‌اند و ممکن است روند عادی‌سازی را به تعویق بیندازند. این تحول، دقیقاً برخلاف خواست تل‌آویو و متحدان غربی‌اش است که امیدوار بودند با گسترش روابط دیپلماتیک، انزوای سیاسی اسرائیل در جهان عرب کاهش یابد.

آینده رهبری حماس و معادلات مقاومت در منطقه

هرچند منابع رسمی تأکید دارند که رهبران ارشد حماس از حمله اخیر جان سالم به در برده‌اند، اما سناریوی حذف فیزیکی آن‌ها همچنان در محافل سیاسی و رسانه‌ای مطرح است. در صورت تحقق چنین سناریویی، آینده رهبری حماس و حتی ساختار سیاسی این جنبش دچار تغییرات جدی خواهد شد. حماس در دو دهه گذشته نشان داده که دارای شبکه‌ای گسترده و ساختار رهبری چندلایه است؛ به‌گونه‌ای که حذف برخی رهبران، لزوماً به فروپاشی این جنبش منجر نمی‌شود. با این حال، تجربه ترور رهبران پیشین مانند شیخ احمد یاسین نشان داده که چنین اقداماتی می‌تواند به رادیکال‌تر شدن مواضع حماس و کاهش احتمال هرگونه مصالحه سیاسی منجر شود.

از منظر منطقه‌ای، تضعیف یا حذف رهبری حماس می‌تواند میدان را برای گروه‌های رقیب یا حتی جریان‌های تندروتر باز کند؛ سناریویی که نه‌تنها امنیت اسرائیل را تضمین نمی‌کند بلکه ممکن است بحران غزه را وارد مرحله‌ای تازه از خشونت کند. به همین دلیل، برخی تحلیلگران معتقدند که حمله اخیر بیش از آنکه دستاورد امنیتی برای تل‌آویو داشته باشد، می‌تواند به بی‌ثباتی بلندمدت در مرزهای جنوبی اسرائیل منجر شود.

خاورمیانه در آستانه فصلی تازه از بحران

حمله اسرائیل به دوحه صرفاً یک رویداد نظامی نبود؛ این اقدام نقطه تلاقی بحران‌های سیاسی، دیپلماتیک، حقوقی و ژئوپلیتیک در خاورمیانه است. از تعلیق مذاکرات آتش‌بس گرفته تا افزایش تنش میان اسرائیل و کشورهای عربی، همه نشانه‌ها حاکی از آن است که منطقه وارد مرحله‌ای تازه از بی‌ثباتی شده است.

با این حال، واکنش یکپارچه جهان عرب و محکومیت‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که اسرائیل در تلاش برای تحمیل اراده نظامی خود بر منطقه، ممکن است با موانع جدی مواجه شود. در سطح داخلی فلسطین نیز، این حمله می‌تواند به انسجام بیشتر گروه‌های مقاومت منجر شود و حتی موقعیت سیاسی حماس را—در صورت جان سالم بردن رهبرانش—تقویت کند. در نهایت، خاورمیانه پس از حمله به دوحه در نقطه‌ای حساس قرار گرفته است؛ نقطه‌ای که در آن، آینده آتش‌بس در غزه، روابط اعراب و اسرائیل و حتی نقش‌آفرینی قدرت‌های جهانی در منطقه، همگی در هاله‌ای از ابهام فرو رفته‌اند.

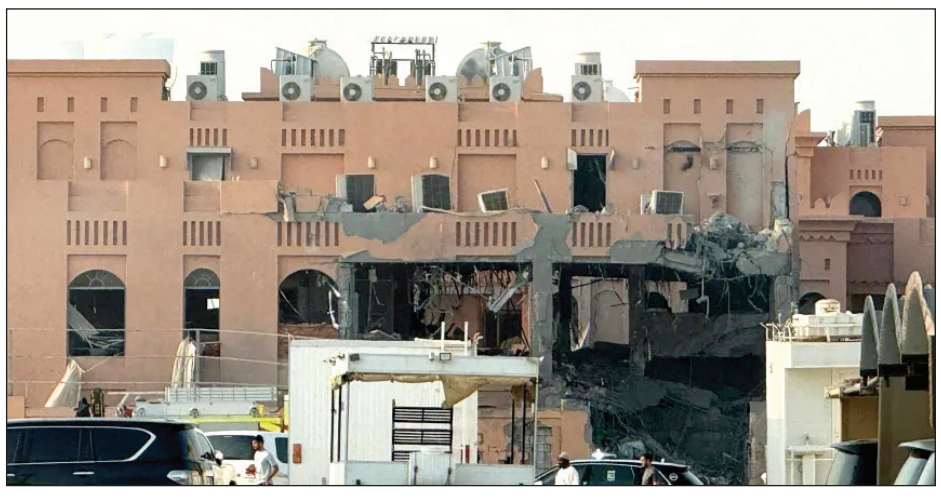

چاقی، کودکان جهان را بلعید

۱۸۸ میلیون کودک ۵ تا ۱۹ ساله چاق در جهان وجود دارد

رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

در یک نقطه عطف نگران‌کننده برای سلامت جهانی، گزارش جدید یونیسف با عنوان «تغذیه کودکان ۲۰۲۵: تغذیه سود» که در ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۵ منتشر شد، اعلام کرد برای اولین بار، چاقی از سوءتغذیه (کم‌وزنی) به عنوان اصلی‌ترین شکل سوءتغذیه در کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۹ ساله پیشی گرفته است. این تغییر تاریخی که یونیسف آن را «نقطه عطف» می‌نامد، نشان‌دهنده یک بحران دوگانه تغذیه‌ای است: جایی که جهان نه‌تنها با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کند، بلکه با هجوم غذاهای ناسالم روبه‌رو شده که نسل جوان را تهدید می‌کند. کاترین راسل، مدیر اجرایی یونیسف، در بیانیه‌ای تأکید کرد: «وقتی از سوءتغذیه حرف می‌زنیم، دیگر فقط کودکان کم‌وزن مد نظر نیست؛ چاقی اکنون نگرانی رو به‌رشدی است که بر سلامت و رشد کودکان تأثیر می‌گذارد.»

طبق داده‌های جمع‌آوری‌شده از بیش از ۱۹۰ کشور، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ (آخرین داده‌های جامع)، نرخ کم‌وزنی در کودکان ۵-۱۹ ساله از ۱۳ درصد به ۹.۲ درصد کاهش یافته، پیشرفتی که به طور عمده به دلیل برنامه‌های حمایتی و دسترسی بهتر به غذا در کشورهای در حال توسعه است. با این حال، این کاهش با افزایش سه‌برابری نرخ چاقی از ۳ درصد به ۹.۴ درصد خنثی شده است. در نتیجه، در سال ۲۰۲۵، حدود ۱۸۸ میلیون کودک چاق (۹.۴ درصد) در برابر ۱۸۴ میلیون کم‌وزن (۹.۲ درصد) قرار دارند. یکی از هر پنج کودک در این گروه سنی (۳۹۱ میلیون نفر) اضافه وزن دارد که ۴۲درصد آنها (۱۶۳ میلیون) به سطح چاقی رسیده‌اند.

این روند جهانی است اما استثناهایی وجود دارد: در آفریقای زیر صحرا و جنوب آسیا، کم‌وزنی همچنان غالب است. در مقابل، کشورهای پردرآمد مانند شیلی (۲۷درصد چاقی)، ایالات متحده (۲۱درصد) و امارات متحده عربی (۲۱درصد) نرخ‌های بالایی دارند. کشورهای در حال توسعه و متوسط درآمد اکنون ۸۱درصد بار جهانی اضافه وزن را بر دوش می‌کشند که از ۶۶درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته نشانه‌ای از «بار دوگانه سوءتغذیه» که هم گرسنگی و هم چاقی را در یک جامعه همزمان نشان می‌دهد.

از منظر کیفی، این آمار تنها نوک کوه یخ است. سازمان بهداشت جهانی تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۲۲، بیش از ۱ میلیارد کودک و نوجوان در جهان اضافه وزن داشتند و همه‌گیری کووید-۱۹ این روند را تشدید کرد: قرنطینه‌ها و سبک زندگی کم‌تحرک باعث افزایش ۱۰-۱۵ درصدی چاقی در کودکان شد، به ویژه در شهرهای بزرگ. در جهان امروز، افزایش شهرنشینی، دسترسی به غذاهای فرآوری‌شده را آسان کرده، در حالی که «بیابان‌های غذایی» (کمبود غذاهای سالم) و «باتلاق‌های غذایی» (غرق شدن در غذاهای ناسالم) در کشورهای در حال توسعه رو به گسترش است. برای مثال، در آمریکای لاتین، نرخ چاقی از ۲۳ درصد به ۳۹ درصد در برخی کشورها رسیده و در خاورمیانه و شمال آفریقا، بیش از ۱۰درصد افزایش از سال ۲۰۰۰ مشاهده شده.

گزارش یونیسف تأکید می‌کند که افزایش چاقی به طور نتیجه «محیط‌های غذایی ناسالم» است، نه انتخاب شخصی. غذاهای فوق‌فرآوری‌شده پر از شکر، نشاسته تصفیه‌شده، نمک، چربی‌های ناسالم و افزودنی‌ها، رژیم غذایی کودکان را شکل می‌دهند.

در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۴، ۶۰ درصد نوجوانان روزانه بیش از یک غذای شیرین یا نوشیدنی مصرف می‌کنند و ۳۲ درصد نوشابه‌های گازدار می‌نوشند. در تانزانیا و زیمبابوه، ۸۲درصد غذاهای بسته‌بندی‌شده فوق‌فرآوری‌شده هستند و در مدارس، میان‌وعده‌های بسته‌بندی (۶۱درصد) و نوشیدنی‌های شیرین (۵۵درصد) بیشتر از میوه و سبزیجات تازه (۴۹ درصد) عرضه می‌شود.

چاقی کودکی فراتر از وزن است؛ آن را «بمب ساعتی» برای سلامت می‌دانند. کودکان چاق در معرض خطر بالاتر دیابت نوع ۲ (افزایش ۵ برابری)، بیماری‌های قلبی-عروقی، سرطان‌ها و مشکلات تنفسی قرار دارند، خطراتی که تا بزرگسالی ادامه می‌یابند. از نظر روانی، چاقی با افسردگی، اضطراب و عزت نفس پایین مرتبط است که نرخ غیبت مدرسه را ۲۰-۳۰ درصد افزایش می‌دهد و توسعه شناختی را مختل می‌کند. گزارش یونیسف هشدار می‌دهد که رژیم غذایی ناسالم، نقش حیاتی در رشد مغزی و سلامت روانی ایفا می‌کند و کمبود میوه و سبزیجات (۳۹درصد کودکان ۶-۲۳ ماهه بدون آن‌ها) این مشکلات را تشدید می‌کند. تا ۲۰۳۵، هزینه جهانی چاقی و اضافه وزن بزرگسالان بیش از ۴ تریلیون دلار (۳درصد تولید ناخالص جهانی) خواهد بود.

چهره روز

بیش از ۱۳۰۰ هنرمند سینما، از بازیگران و کارگردانان تا فیلمنامه‌نویسان و تهیه‌کنندگان، تعهد داده‌اند با نهادهای سینمایی اسرائیل همکاری نکنند، نهادهایی که شریک «نسل‌کشی و آپارتاید علیه مردم فلسطین» هستند. این موج اعتراض، نخست با خاویر باردم آغاز شد و سپس چهره‌هایی چون اولیویا کلمن، اما استون، تیلدا سوینتن، مارک رافالو و سوزان ساراندون به آن پیوستند. معترضان با اشاره به بحران انسانی در غزه و گزارش‌های سازمان ملل درباره قحطی تحمیلی و کشتار غیرنظامیان، سکوت در برابر این فجایع را نوعی همدستی می‌خوانند. بیانیه یادآور می‌شود که تجربه تاریخی بایکوت فرهنگی در دوران آپارتاید آفریقای جنوبی الهام‌بخش این حرکت بوده است. هنرمندان تأکید کرده‌اند که هدف‌شان مقابله با «همدستی نهادی» است نه هویت افراد، و از همکاران خود خواسته‌اند در برابر «سکوت، نژادپرستی و عادی‌سازی خشونت» بایستند. این کارزار تازه‌ترین نشانه از همبستگی جهانی سینما با مردم غزه و اعتراض به سیاست‌های اسرائیل است.

عکس روز

سایه باروت بر تاج لندن

نمایشگاه تجهیزات دفاعی و امنیتی (دِسِی) ۲۰۲۵ در مرکز اکسل لندن، با حضور بیش از ۱۷۰۰ شرکت از ۶۵ کشور برگزار شد

در قلب پایتخت بریتانیا، جایی که مه لندن با درخشش فلزات جنگی آمیخته می‌شود، نمایشگاه بین‌المللی تجهیزات دفاعی و امنیتی (دِسِی) ۲۰۲۵ از ۹ تا ۱۲ سپتامبر در مرکز نمایشگاهی اکسل لندن برپا شده است. این رویداد دوسالانه که توسط شرکت کلاریون برگزار می‌شود و حمایت دولت بریتانیا را دارد، یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهانی تسلیحات است و امسال با شعار «امکان‌سازی امنیت»، بیش از ۳۵ هزار بازدیدکننده حرفه‌ای، از جمله مقامات نظامی، سیاستمداران و مدیران صنایع را به خود جذب کرده. اما پشت ویترین‌های درخشان، انبوهی از «تجهیزات انقلابی برای مهمات» همان‌طور که در پوسترهای تبلیغاتی با تصویر سایه‌ای مرموز بر توده‌ای از پوکه‌های طلایی‌رنگ و لیستی از کالیبرهای متنوع مانند ۱۲.۷x۹۹، ۲۰x۱۰۲ و ۳۰x۱۷۳ به نمایش گذاشته شده، نمادی از مسابقه تسلیحاتی بی‌امان جهان است.

برگزاری دِسِی با برنامه‌ریزی دقیق و امنیت بالا پیش می‌رود. غرفه‌ها به مناطق تخصصی تقسیم شده‌اند: منطقه زمین که قلب تپنده نمایشگاه است، بر وسایل نقلیه پیشرفته، سلاح‌ها، مهمات و تجهیزات تمرکز دارد و شرکت‌های نوآور جهانی را گرد هم می‌آورد. برای مثال، گروه چک‌اسلواکی از جمهوری چک، با غرفه‌ای وسیع، خط تولید مهمات سنگین خود را به نمایش گذاشته و بر کالیبرهای روسی و غربی مانند ۲۳x۱۵۲B و ۲۵x۱۳۷ تأکید کرده. دیگر شرکت‌کنندگان برجسته شامل راینمتال از آلمان، سیستم‌های بی‌ای‌ای از بریتانیا، لاکهید مارتین و ریتون از آمریکا و غرفه‌های روسی روسوبورون اکسپورت و چینی نورینکو هستند. بیش از ۶۰ درصد غرفه‌های بخش مهمات توسط این غول‌ها اشغال شده و تاکنون بیش از ۲۰۰ قرارداد به ارزش میلیاردها پوند در حاشیه نمایشگاه امضا شده. این رویداد نه‌تنها بازار فروش است، بلکه صحنه‌ای برای مذاکرات دیپلماتیک و نمایش فناوری‌های هوشمند مانند مهمات هدایت‌شونده لیزری.

اما دِسِی فراتر از یک نمایشگاه تجاری، آینه‌ای از مسیری است که جهان به سمت مسلح‌تر شدن شتابان می‌گیرد. همه‌جا، از اوکراین تا خاورمیانه و آسیا-اقیانوسیه، بوی سلاح، گلوله و جنگ‌افزار پیچیده. جنگ‌های جاری، تنش‌های ژئوپلیتیکی و تهدیدهای سایبری، تقاضا برای مهمات را به رکورد رسانده. طبق گزارش مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم (سیپری)، هزینه‌های نظامی جهانی در ۲۰۲۴ به ۲۷۱۸ میلیارد دلار رسید، افزایش ۹.۴ درصدی نسبت به ۲۰۲۳ و بالاترین رقم تاریخ. این مبلغ، ۴۲ درصد بیشتر از ۲۰۱۹ (۱۹۱۷ میلیارد دلار) است، زمانی که جهان با چالش‌های پساکرونا دست‌وپنجه نرم می‌کرد و ۵۳ درصد بالاتر از ۲۰۱۴ (۱۷۷۶ میلیارد دلار)، سالی که بودجه‌های دفاعی پس از بحران مالی جهانی در حال بازیابی بودند. آمریکا با ۹۹۷ میلیارد دلار پیشتاز است اما اروپا با افزایش ۱۶ درصدی در ۲۰۲۴ (به دلیل جنگ اوکراین) و خاورمیانه با ۶.۷ درصد تولید ناخالص داخلی اختصاص‌یافته به نظامی، کانون این مسابقه شده‌اند.

طی دهه اخیر، هزینه‌ها ۳۷درصد رشد کرده و ۲.۴درصد تولید ناخالص داخلی جهانی را بلعیده، منابعی که می‌توانست صرف آموزش، بهداشت یا تغییرات آب‌وهوایی شود. اگر این روند با تولید انبوه «تجهیزات انقلابی» که در دِسِی به عنوان نوآوری دفاعی توصیف می‌شوند، ادامه یابد، سایه سومین جنگ جهانی بر جهان سنگینی می‌کند. تنش‌های تایوان، غزه و بالکان مانند جرقه بر انبار باروت عمل می‌کنند. کارشناسان سیپری هشدار می‌دهند که این افزایش نه‌تنها صلح را تهدید می‌کند، بلکه نابرابری جهانی را تشدید کرده. دِسِی ۲۰۲۵، با وجود ادعای «امنیت‌سازی»، بیش از ۱۷۰۰ غرفه تسلیحاتی را تسهیل کرده و جهان را یک گام به لبه پرتگاه نزدیک‌تر می‌سازد.

ینگه دنیا

قفس یواف‌سی در کاخ سفید!

دونالد ترامپ در اقدامی بی‌سابقه تصمیم گرفته یک مسابقه یواف‌سی در چمن کاخ سفید برگزار کند

درحالی‌که آمریکا خود را برای جشن دویست‌وپنجاهمین سالگرد استقلال در سال ۲۰۲۶ آماده می‌کند، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور، با ایده‌ای جسورانه و عجیب، بار دیگر توجه جهانیان را به خود جلب کرده است: برگزاری یک مسابقه رزمی یواف‌سی در چمن جنوبی کاخ سفید. این رویداد که قرار است ژوئن آینده برگزار شود، نه‌تنها یک نمایش ورزشی خواهد بود، بلکه با برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای مانند وزن‌کشی مبارزان در بنای یادبود لینکلن، نمایش‌های خیره‌کننده لیزر، آتش‌بازی‌های عظیم و برپایی قفس هشت‌ضلعی یواف‌سی، به یکی از به‌یادماندنی‌ترین رویدادهای ورزشی تاریخ آمریکا تبدیل خواهد شد. این جشن، بخشی از گرامیداشت سالگرد استقلال است که به گفته منابع، به دلیل برنامه‌ریزی فشرده ماه جولای، به ژوئن منتقل شده است.

ترامپ که پیش‌تر در ماه جولای این ایده را مطرح کرده بود، از دوستی دیرینه‌اش با دانا وایت، مدیرعامل یواف‌سی، بهره برده تا این رویا را به واقعیت بدل کند. وایت پس از دیدار با ترامپ در کاخ سفید، در ویدیویی زنده در اینستاگرام اعلام کرد: «امروز کار را نهایی کردیم. این اتفاق خواهد افتاد!» او این رویداد را «بزرگ‌ترین جشن ورزشی تاریخ» توصیف کرد و افزود که این مسابقه با حضور ستارگان یواف‌سی و تماشاگران پرشور، به نمادی از غرور ملی آمریکا تبدیل خواهد شد. منابع خبری گزارش داده‌اند که ایوانکا ترامپ، دختر رئیس‌جمهور و از طرفداران یواف‌سی، نقش کلیدی در سازماندهی این رویداد دارد و ایده‌های خلاقانه‌ای برای جذاب‌تر کردن آن ارائه کرده است.

استیون چونگ، سخنگوی ترامپ، به وال‌استریت ژورنال گفت: «این رویداد گواهی بر دیدگاه رئیس‌جمهور برای گرامیداشت سالگرد عظیم استقلال آمریکا است. میزبانی یواف‌سی در کاخ سفید، نه‌تنها یک نمایش ورزشی، بلکه جشنی از قدرت، فرهنگ و تاریخ آمریکا خواهد بود.» این رویداد در حالی برنامه‌ریزی شده که ترامپ سابقه‌ای طولانی در میزبانی رویدادهای رزمی دارد؛ او در دهه ۲۰۰۰، مسابقات یواف‌سی را در هتل خود در آتلانتیک‌سیتی برگزار کرده بود. این رئیس‌جمهور ۷۹ ساله که به حضور در رویدادهای ورزشی بزرگ مانند سوپربول یا فینال تنیس آزاد آمریکا علاقه‌مند است، حالا قصد دارد کاخ سفید را به صحنه‌ای برای نبرد رزمی تبدیل کند.

استفاده از کاخ سفید برای رویدادهای ورزشی کاملا بی‌سابقه نیست، اما ایده قفس یواف‌سی، آن را به سطحی جدید می‌برد. در دهه ۱۹۲۰، وارن جی. هاردینگ، رئیس‌جمهور وقت، زمین‌های کاخ سفید را به زمین تنیس تبدیل کرد و میزبان مسابقات دوستانه بود. جورج دبلیو بوش در دوره ریاست‌جمهوری‌اش، بازی‌های تی‌بال (نوعی بیسبال ساده‌شده) را برای کودکان در چمن کاخ سفید برگزار کرد و باراک اوباما نیز زمین بسکتبال کوچکی در کاخ سفید برپا کرد تا بازی‌های دوستانه برگزار کند. اما هیچ‌کدام از این رویدادها به اندازه ایده قفس یواف‌سی در کاخ سفید، جسورانه، غیرمنتظره و بحث‌برانگیز نبوده است.

در تاریخ آمریکا، روسای جمهور گاهی با اقدامات عجیب در جشن‌های روز استقلال خبرساز شده‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۷۶، جرالد فورد به مناسبت دویستمین سالگرد استقلال، نمایش آتش‌بازی عظیمی در واشنگتن دی‌سی ترتیب داد که هنوز هم به‌عنوان یکی از باشکوه‌ترین جشن‌های ملی یاد می‌شود. یا امسال، دونالد ترامپ با برگزاری رژه نظامی «سلام به آمریکا» در روز استقلال، با نمایش تانک‌ها و پرواز جنگنده‌ها، جنجال‌ساز شد. حالا، با ایده یواف‌سی در کاخ سفید، او بار دیگر سنت‌شکنی کرده و جشنی را طراحی کرده که ترکیبی از ورزش، سرگرمی و نمایش قدرت است.

علاوه بر این، این رویداد می‌تواند تأثیر اقتصادی قابل‌توجهی داشته باشد. حضور بیش از ۲۰ هزار تماشاگر، پخش جهانی مسابقه و تبلیغات مرتبط با آن، میلیون‌ها دلار به اقتصاد واشنگتن تزریق خواهد کرد. همچنین، با توجه به محبوبیت جهانی یواف‌سی، این رویداد می‌تواند توجه بین‌المللی را به جشن‌های دویست‌وپنجاهمین سالگرد استقلال آمریکا جلب کند و واشنگتن را به کانون اخبار جهانی تبدیل کند. در نهایت، چه این رویداد شما را به وجد بیاورد و چه شوکه کند، یک چیز قطعی است: وقتی قفس یواف‌سی در چمن کاخ سفید برپا شود، تمام جهان به واشنگتن چشم خواهد دوخت، همان میزی که ترامپ می‌خواهد.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

کیوسک

نیویورک‌تایمز آمریکا، عکس اصلی خود را به قابی از سلفی گرفتن نسل جدید و معترض نپال با ساختمان دولت که در حال سوختن است، اختصاص داد و به حکومت‌ها توصیه کرد پذیرای خواسته‌های جوانان‌شان باشند.

لیبراسیون فرانسه، عکس و تیتر اصلی خود را به تصویری از مکرون در کنار لکورنو، نخست‌وزیر جدید دولت فرانسه اختصاص داد و او را به جان‌سخت ملقب کرد.

یلو زون

خالق «آینه سیاه» در تعقیب قاتل زنجیره‌ای

چارلی بروکر، خالق سریال جنجالی «آینه سیاه»، بار دیگر با نتفلیکس همراه شده تا این بار یک تریلر جنایی چهار اپیزودی بسازد. این پروژه تازه که هنوز عنوان رسمی ندارد، داستان کارآگاهی از شهر خیالی بلیکفورد را روایت می‌کند که راهی لندن می‌شود تا پیش از آنکه قربانیان بالقوه به قتل برسند، قاتل زنجیره‌ای مرموز را شکار کند. بروکر وعده داده این مجموعه «بسیار جدی، خیره‌کننده و آغشته به اخم و خون» خواهد بود. در این سریال، پدی کانسیداین، لینا هیدی و جرجینا کمبل نقش‌های اصلی را برعهده دارند؛ کمبل پیش‌تر در اپیزود «دی‌جی را اعدام کنید» از «آینه سیاه» نیز حضور داشت. فیلمنامه را تیمی متشکل از بروکر و چند نویسنده باسابقه نوشته‌اند و ال کمبل که تجربه همکاری با بروکر در «مرگ بر ۲۰۲۰» را دارد، کارگردانی را برعهده گرفته است. این نخستین بار نیست که بروکر به ژانر جنایی نزدیک می‌شود؛ او پیش‌تر سریال پلیسی «لمس کلاک» را در شبکه اسکای ساخته بود. منتقدان معتقدند همکاری دوباره او با ستارگان مطرح و تیمی حرفه‌ای، می‌تواند تجربه‌ای متفاوت برای مخاطبان نتفلیکس باشد. این مجموعه هنوز تاریخ پخش رسمی ندارد اما انتظار می‌رود در سال آینده میلادی عرضه شود.

اندرباب برکناری نادره رضایی که قهرمان این سو و ضدقهرمان آن سو شد

از معاونت تا وزارتخانه دستمایه دعواهای جناحی

● ۱۰ ماه حضور پرحاشیه معاون هنری در وزارت فرهنگ و ارشاد، سرانجام وزیر را با مجلس همخوان کرد

عسل آذرپور
دبیر فرهنگ و هنر

حالا دو دهه است که می گویند جناح سیاسی در ایران معنای خود را از دست داده، تا پیش از اینکه جناح تازه‌ای قدم به عرصه بگذارد. قرار بر این بود که هر اتفاقی را سیاسی نکنیم. این خواسته بر طبق عادت همیشه، اول از مردم طلب شد! مدت‌ها بود که به عادت همیشگی عادت کرده بودیم تا هر چیز را سیاسی نکنیم. با ورود جناح تازه سیاسی اما عادت‌ها بازگشتند و ما تماشاگر دعواهای بیرونی و بی‌خبر از توافقات درونی شدیم.

پیروزی و شکست‌ها بعد از برکناری

«با پیگیری‌های مکرر کمیسیون فرهنگی مجلس، نادره رضایی معاون هنری وزارت ارشاد به خاطر حواشی فراوانی که در یک سال گذشته ایجاد کرده بود، برکنار شد». این توییت یکی از آن ۳۵ نماینده مجلسی بود که یک ماه پیش وزیر ارشاد را به مجلس فراخواندند و او را به پاسخ واداشتند. سوالاتی که انتظار می‌رفت از عملکرد وزارتخانه فرهنگ و ارشاد مطرح شود اما به عملکرد یک معاونت محدود شد. اشکالات نمایندگان آن جناح خاص باز هم تماما متوجه عملکرد معاون در راستای استیلای فرهنگ و هنر نبود. آنان دغدغه‌مند حضور این معاون در ستاد انتخاباتی رقیب، عکس یادگاری با یکی از منتصبان به حکومت قبلی و اقدامات خانواده خانم معاون بودند! اما حالا که وزیر از خیر حضور معاونش گذشت و او را برکنار کرد، پیروزی این اقدام به پای دغدغه‌مندی نمایندگان مجلس بابت فرهنگ و هنر این مملکت زده شد. آن سوی ماجرا هم اما بی کار ننشست. آنان هم بدون دفاع از عملکرد معاون، چه به وقت کارت زرد وزیر و چه به وقت برکناری، بازی را به دعوای دو جناح سیاسی کشاندند. «مجلس دستور برکناری نادره رضایی را داد، برخی رسانه‌ها معرکه تبلیغاتی گرفتند و وزارت ارشاد عزل کرد. تنها معاونی بود که کارهایش برای مردم بود. وفاق فعلا با جبهه پایداری انجام می‌شود.» دیگری با ابراز ناراحتی از این تصمیم، از این برکناری ابراز تأسف کرد و دلیل آن را: «کنار گذاشتن خانم نادره رضایی یکی دیگر از نشانه‌های بازگشت به تنظیمات کارخانه. افراطیون برانداز و انقلابی جشن بگیرند.»

قهرمان و ضدقهرمان سیاسیون

دعواهای جناحی سیاسی مسبوق به سابقه است و چنان هر موضوعی را به محاق بی‌اعتباری می کشاند که هیچ‌گاه فرصت مناسبی برای بررسی و بیان دقیق در تأیید و یا تکذیب پیش نمی‌آید. با این وجود و میان فریادهای جناحی، که هر کدام از طرفین می‌کوشند صدایشان راستر در رسانه‌ها شنیده شود و موفقیت خود یا کارشکنی سوی مخالف را به بحث بکشانند، گاهی صداهای خفیفی از رسانه‌ها که بیش از همه (چه این‌سویی‌ها و چه آن‌سویی‌ها) دغدغه فرهنگ و هنر را دارند، شنیده می‌شود. چیزی شبیه واکنش یکی از خبرنگاران باسابقه حوزه که به حق‌خواهی دو طرف از برکناری معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اشاره کرد. «بسیاری از خبرنگاران حوزه موسیقی، تئاتر و تجسمی منتقد نادره رضایی بوده و هستند. این چه اخلاقی است که جناحی فقط به خاطر تعلقات باندی وجناحی از یک نفر حمایت می کند. از نادره رضایی قهرمان نسازید.» گرچه در میان این بی‌طرفی‌های رسانه‌ای هستند کسانی که نقش خیال‌انگیز بکشند و مدیحه‌سرایی در جفایی بنویسند که به معاون رفت.

حاشیه و عزل

این اتفاق اگرچه نه فقط برای نادره رضایی، که برای تمام انتصاب و انفصال‌ها رخ می‌دهد؛ چنان که سخنگوی دولت در پاسخ به علت برکناری این معاون با تقدیر از تلاش‌ها و دستاوردهای قابل توجه در دوران کوتاه مسئولیت او، با بیان اینکه برکناری از اختیارات وزرا است از توضیح بیشتر خودداری می کند و آن را امری عادی بر بستری غیرعادی نشان می‌دهد. اما این بستر غیرعادی که از روز اول حول این معاونت می‌چرخید، به نظر جز خواسته خود نادره رضایی نبود.

معاونی که از وزیرش پیشی گرفت

نادره رضایی که پیش از حضورش در وزارت فرهنگ و ارشاد به دلیل انتخاب برای مناصب مختلف پیشین بارها با نقدهای گسترده روبه‌رو شده بود، این‌بار نیز به محض اعلام خبر حضور در معاونت هنری از نقدهای تند در امان نماند. رضایی که یکسال حضور در معاونت را تمام نکرد یکی از مهم‌ترین معاونان وزارت ارشاد بود! نه از جهت دستاورد، که به دلیل حضور مداومش در مقابل دوربین رسانه‌ها. اخبار مرتبط به او حتی از وزیر فرهنگ و ارشاد هم پیشی گرفتند. چه آنجا که لایکی زیر پستی به نام او جنجال به پا کرد و بعدتر گفته شد این تصویرسازی‌ای جعلی بوده، چه آن‌وقت که پیگیر برگزاری جشنواره «کوچه» شد و کار چنان بیخ پیدا کرد که تا وزیر مستقیم ورود نکرد، حل نشد. رضایی که نخستین معاون زن وزارت فرهنگ و ارشاد بعد از انقلاب بود، با زنان دیگر دولت ارتباط خوبی داشت. او در تمام برنامه‌های مرتبط به زیرمجموعه‌های خود، سخنگوی دولت را دعوت می کرد و آلبوم عکس پرتعدد از قاب‌های دو نفره خودشان در جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و کنسرت‌ها ساخت. این اقدامات ظاهری که خوشایند اقلیتی از حاکمیت نبود، از نقد بر نحوه پوشش او تا زیر و زبر زندگی‌اش را نیز به ورطه نقد کشاند.

اعتراض هنرمندان، اعتبار نداشت

با این وجود در تمام ده ماهی که نادره رضایی بر مسند معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد نشسته بود، هیچکس از منتقدان مخالف حضور او نپرسیدند که چرا او تنها معاون وزارتخانه است که با عزل تمام مدیران پیشین، هنوز به تصمیمی برای انتصاب مدیران جدید نرسیده و مجموعه‌های خود را با سرپرست اداره می کند. در تمام دوران فعالیت او، هیچ‌کدام از منتقدان مخالف او، نپرسیدند که رضایی در اقداماتی که در بوق‌وکرنا می کند تا نشانی از کارآمدی باشد، چطور پاشنه آشیل وزارت فرهنگ و ارشاد شد. نه منتقدان مخالف، که اهالی هنر خیلی زود از این بوق‌ها به صدا درآمدند. نامه‌های اعتراض یکی پس از دیگری نوشته شدند. اما همه این مخالفت‌ها، در نور دوربین‌هایی که از خانم معاون عکس ثبت می کردند، در میان صدای میکروفون‌هایی که صداهای او را پخش می کردند، گم شد.

ساز ناکوک معاون که بلدتر از بقیه سازها شد

آخرین اقدام معاون اما پشت بازی‌های رسانه‌ای مخفی نماند. لغو کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی، خبری نبود که با نمایشی مقابل دوربین و هم‌صحبتی با دغدغه‌مندان فرهنگ و علاقه‌مندان به خانم معاون بتوان به نفع خود کرد. چه پیش از اعلام این خبر که نادره رضایی دیداری میان همایون شجریان و دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ترتیب داد، چه یک روز پس از اعلام لغو کنسرت شجریان، که ویدیویی در فضای مجازی چرخید که رضایی در مقابل فردی که نگران هدررفت اقدامات او، چنین می گفت: «مسئله فقط امکانات نیست. بارها دیدیم که دوستان شهرداری در یک هفته هم توانستند کارهای بزرگی را رقم بزنند، اعیاد مذهبی را در همین زمان پوشش می‌دهند. شما به دنبال آشتی ملی بودید و آن‌ها با شما از نظر فکری هم‌سو نبودند و راضی به این اتفاق نیستند» بیانیه‌ای سیاسی صادر کرد: «به گواه تاریخ همواره سازهای ناکوک وجود داشته، به مردم اعتماد کنید، خیابان برای همه است. ما از نادیده گرفتن بخشی از مردم ضرر کردیم. اگر به مردم اعتماد شود و همه بیایند آن صداهای ناکوک شنیده نمی‌شود.» این مکالمه که قرار بود توضیحات معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری درباره علت لغو که عدم‌هماهنگی خانم وزیر بود را بی‌اثر کند، اثر نکرد و این شد همان آخرین قطره‌ای که وزیر را به تصمیم رساند.

> **تکیه**
> **دعواهای جناحی سیاسی مسبوق به سابقه است و چنان هر موضوعی را به محاق بی‌اعتباری می کشاند که هیچ‌گاه فرصت مناسبی برای بررسی و بیان دقیق در تأیید و یا تکذیب پیش نمی‌آید. با این وجود و میان فریادهای جناحی، که هر کدام از طرفین می‌کوشند صدایشان راستر در رسانه‌ها شنیده شود و موفقیت خود یا کارشکنی سوی مخالف را به بحث بکشانند، گاهی صداهای خفیفی از رسانه‌ها که بیش از همه (چه این‌سویی‌ها و چه آن‌سویی‌ها) دغدغه فرهنگ و هنر را دارند، شنیده می‌شود**

معاون عزل شد اما نه برای فرهنگ

آن روز که سیدعباس صالحی برای پاسخ به سوالات به مجلس رفت، تیتر زدیم «از وزیر و معاونش گفتند، از فرهنگ نگفتند»، امروز نیز باید بگوییم «وزیر، معاونش را عزل کرد اما نه برای فرهنگ». مجموع اتفاقات ده‌ماه اخیر در معاونت هنری وزارت ارشاد، نه از سوی منتقدان و نه موافقان هیچ‌گاه با شاقول فرهنگ بررسی نشد. عملکرد نادره رضایی برکنار شده، همواره از سوی وزیر و سایر موافقانش در سکوت ماند. چه آنجا که صالحی در مجلس کارنامه ۱۲ روزه جنگ را به عنوان عملکرد وزارتخانه و معاونانش مطرح کرد، چه حالا که در برکناری معاونش، جز جملات ثابت احکام عزل و نصب، چیز بیشتری برای ارائه نداشته است. این دعواها، نه بر سر معاون که برگرفته از دعوای سیاسی دو جناح است که یکی به قدرت رسیده و دیگری پشت در مانده است و ما به سیاق سابق تماشاگر دعواهای بیرونی و بی‌خبر از توافق‌های درونی هستیم.

> **مجلس رفت، تیتر زدیم «از وزیر و معاونش گفتند، از فرهنگ نگفتند»، امروز نیز باید بگوییم «وزیر، معاونش را عزل کرد اما نه برای فرهنگ». مجموع اتفاقات ده‌ماه اخیر در معاونت هنری وزارت ارشاد، نه از سوی منتقدان و نه موافقان هیچ‌گاه با شاقول فرهنگ بررسی نشد**

تدبیرنامهٔ خودک خان پرت‌الدوله

دوره اول شماره ۳

در این روز مبارک، بیستم شهریور سنه ۱۲۳۱ خورشیدی، برابر با بیست‌وششم ذی‌القعده ۱۲۶۸ قمری و یازدهم سپتامبر ۱۸۵۲ مسیحی، اینجانب خودک‌خان پرت‌الدوله، اعظم‌الاباطیل‌العالم و بزرگ خاندان دودمان ترهاتیه، در گوشه‌ای از دارالخلافه و تحت اوامر ظلّ سلطانیه ناصرشاه، به تحریر تدابیر ملکرانی مبادرت نمودم تا چراغ راه آیندگان باشد.

خودک خان روزنومه‌چی و جیک جیک مستون

امروز از فرط بی‌عاری و بیکاری از صبح علی‌الطلوع زیر سایه‌بان کاخ ناصری لمیده‌ام و لوله وافور مکیده‌ام و از آنجا که اوضاع مملکت همه بر وفق مراد است و ما نیز بر خر مراد سوار و از بس همه در ناز و نعمت به سر می‌برند و مشکلی ندارند و چرخ اداره مملکت به سرپنجه تدبیر صدارت اعظمی ما همچون ساعت سوئیسی می‌چرخد و مشغولیات نداریم گفتیم چه کنیم که خوش بگذرد و چون نشخوار آدمیزاد حرف است و آدمی اگر حرف نزند دلش می‌ترکد، به خاطره‌بازی از ایام شباب پرداخته‌ام.

در آن روزگار که در خانه پدری، مشغول لهو و لعب بودم و با رفقا جفتک چارکش می‌انداختیم، فارغ از غم دین و دنیا بودیم گویی روزگار خوش‌تر بود. حالا که کلاه صدارت بر سر نهاده‌ام و روزگار به بطالت می‌گذرانم، یاد آن ایام افتاده‌ام که رفیقی داشتم به نام جیک‌جیک مستون که مثل گنجشک پرکنده مدام جیک‌جیک می‌کرد و هیچ وقت هم فکر زمستانش نبود. مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرید و آرام و قرار نداشت و خدا گواه است زیر گوش ما هم خیلی جیک‌جیک می‌کرد. روزی در خانه پدری به دست‌بوسی شرفیاب شد. البته آن روزگار من جوان بودم و صدراعظم نبودم با این حال خوشمان می‌آید همه در تمام ایام از حال و گذشته و آینده به دستبوسی ما بیایند، خاصه دهخدا نامی که نمی‌دانم چرا چرند و پرند می‌گوید و از روی دست ما تقلب می‌کند.

القصه جیک‌جیک مستون آمد و با همان زبان بی‌قرارش گفت: «خودک تو که در بلاد فرنگ چند صباحی روزنامه‌نگاری کرده‌ای و قلم‌ات از شمشیر ناپلئون تیزتر است، چرا بساط روزنامه راه نمی‌اندازی؟ مخارجش با من، معایب این دیار را بنویس، رعیت را به دوست و دشمنش بشناسان و حقیقت را چون آفتاب بر بام کاخ ناصری بتابان! پنجه در پنجه اقویا بیانداز و آنها را به زانو دربیاور.» من که از فرط درایت، مو بر تنم سیخ شده بود، گفتم: «جیک‌جیک مستون، نسناس بی‌فکر زمستان! اولا، تو که حالا ادعای رفاقت داری، فردا که پای فیلتر و عدلیه و فحش رعیت وسط بیاید، دشمن من می‌شوی. ثانیا، اینجا ایران است، دیار فیلتر و سانسور و تفاسیر بعیده و قبیحه از امور بدیهه است و قلم زدن در آن چون رقصیدن روی پل صراط. چه بنویسم که نه سیخ بسوزه نه کباب؟» سرش را پایین انداخت، قدری فکر کرد و مثل گنجشکی که ز مستی خود را بلبل می‌بیند گفت: «چه می‌دانم؟ از همین حرف‌هایی که اینفلوئنسرها در لایو می‌زنن! از گندکاری‌های دیوانخانه ارشاد بنویس، از صداوسیما بگو، از سینما و فرهنگ بگو، رعیت را آگاه کن!» من که دست‌کم ده تا خشتک بیشتر از جیک‌جیک مستون جر داده بودم، گفتم: «جیک‌جیک، تو اهل این حرف‌ها نیستی، تو تا یک مامور با لباس ببینی سه ماه شکم‌روش می‌گیری، تا یک کامنت تند زیر پستت می‌افتد، رنگت می‌پرد. حالا آمده‌ای مرا به معرکه افشاگری دعوت می‌کنی؟»

دردسرتان ندهم، در همان ایام آنقدر پاپیچ ما شد تا قبول زحمت کردم و چند صباحی به نوشتن بودیم که روزی جیک‌جیک‌مستون نگران و هراسان آمد و با چهره‌ای برافروخته‌تر از همین زغال سرخی که در منقل است، گفت: «خودک! چه نشسته‌ای که سرمان را به باد دادی، زیاده‌روی مایه جوان‌مرگی است! تو که قلم‌ات تیز است، چرا می‌خواهی بنویسی دیوانخانه فرهنگ، با آن همه ادعای هنرپروری، کنسرت یادگار استاد شجره را در میدان فلان به گند کشید! مبادا بنویسی که آن ضعیفه شاکیه در ناهماهنگی با آژان و بلدیه چراغ شادی رعیت را پف کرد و سزایش را دید چون هر آنکس پف کند ریشش بسوزد، حالا این ضعیفه ریش نداشت ریشه‌اش سوخت، همو که باخت را گردن همه انداخت گفت همه باختیم، مبادا بنویسی این‌ها را، مگر بچه خر می‌کنی که حالا بگوییم همه باهم باختیم! مبادا بنویسی که این عذرخواهی ماله‌کشی بر گندکاری بودها، که نه فضاحت را پوشاند و نه رعیت را راضی کرد، تا جایی که خودش را به زیر کشیدند.»

من با نگاهی عاقل اندر سفیه، گفتم: «جیک‌جیک، دزد نگرفته پادشاه است! من که قصد نوشتن این‌ها را ندارم. خیال را هم که خدا بدون استفتاء علما و زعمای قوم از مراجع، آزاد خلق کرده. بگذار در دلم خیال کنم، وقتی نوشتم، آن وقت هرچه دلت می‌خواد بگو!» جیک‌جیک مستون که خفت عقل داشت و در پنجه شیرگیر خودک پرتدبیر گرفتار آمده بود، همه فرمایشات ما را به ریش نگرفت و جای آنکه به وسوسه دچار آید به فسفسه گرفتار شد و به سرفه گوزک افتاد که «نه خیر! تو اگر بخواهی قلم بزنی، شاید بنویسی که تلویزیون با سی‌وپنج همت بودجه و لشکر چهل‌وهشت هزار نفری یاجوج‌وماجوج، جز برنامه‌های هزل و هجو و بی‌مزه چیزی نمی‌زاید! شاید بنویسی که همین آقای جبیلی خودمان، که سال‌ها با من آشنایی داشت از عهد قدیم، همو که سلطان بودجه‌های نجومی است و ادعا می‌کنه شصت‌وپنج درصد رعیت پای بساط جادویی‌اش نشسته‌اند، در حالی که کفترهای شاه‌عبدالعظیم هم می‌دانند کسی تره هم برای دم‌ودستگاه عریض و طویلش خرد نمی‌کند و به کتف چپش هم نمی‌گیرد! شاید بنویسی که رعیت، از بساط این کارخانه تولید بطالت و کسالت به تنگ آمده و به نقالی و پرده‌خوانی ده بغلی پناه برده! تو که خودت ماشاالله این‌همه ریش‌و پشم و قازورات داری، مبادا این‌ها را بنویسی که من عیال دارم، فالوئر دارم، امید به تیک آبی دارم! آگهی بگیرمو از راه آگهی به آگاهی می‌رسم، از هرچه اعمال قبیحه و اطوار وقیحه می‌خواهی بنویسی بنویس، از اینها ننویس.» من که از بساط این جیک‌جیک‌ها به خنده افتاده بودم، خواستم کمی لنترانی بارش کنم و به همین سبب خنده را خوردم، سبیل چاق کردم و غبغب گرفتم که «جیک‌جیک مستون، من که جانم را از صحرا پیدا نکرده‌ام! اگر بخوام روزنامه بنویسم، از این معایب نمی‌نویسم. من از راز سلامتی در پیری می‌نویسم که فلان خواننده چطور با رژیم کتوژنیک لاغر کرد، می‌نویسم فایده بخارپز کردن کدو در هواپز چیست، از معجزه بچه‌دار شدن میرزا ابوالعباس‌خان یراقچی در شصت‌وسه‌سالگی می‌نویسم که در بحبوحه مذاکرات با وزرای مختار روس منحوس و انگلیس خبیث «قدم نورسیده مبارک شد» و انبوه رعیت را به وجد آورد! ما رو باش در تمام ایامی که ما خیال می‌کردیم او با قوای بیگانه در کش‌وقوس است و مقاومت می‌ورزد و می‌جنگد و می‌رزمد، نگو ناقلا فکرش جای دیگری بوده! از طرز تهیه خورش بامیه در صفحه «زودپز» می‌نویسم که رعیت چطور با یک قابلمه بامیه سرگرم بشه! از چربی دور شکم فلان بازیگر می‌نویسم که با رژیم آب‌زرشک، این هفته دو سایز کم کرد. یا از فلان هنرمند که این هفته تولد دارد به میمنت و سلامتی. خدا طول عمر بدهد، از عارضه ملی بواسیر می‌نویسم، از بدی‌های اعاظم بی‌عار اروپ می‌نویسم، از افزایش قیمت بیضه ماکیان می‌نویسم، از فرقه جدیدالعهد خام‌علفخواران می‌نویسم که چطور هویج بو داده را جای کباب کوبیده در شکمبه‌شان جا می‌کنند و آنقدر علف بی‌مقدار می‌جوند که شیربیشه را دچار اسهال می‌کند، از این‌ها می‌نویسم که نه سیخ بسوزه، نه کباب.» چشمکی زدم و گفتم: «تازه وایرال هم میشه! می‌دهیم بچه‌ها بچرخانند این اخبار را میان خلایق و سئو هم می‌نویسیم براشون. تو برو آگهی‌تو بگیر و کار آگاهی را به خودک بسپار!» اما جیک‌جیک مستون ول‌کن نبود، باز زبان باز کرد: «قباحت داره! رعیت که مغز خر نخورده! تا تو بگویی ف می‌فهمن منظور فلان گندکاریه! تو اگر بنویسی «راز سلامتی» رعیت می‌فهمه منظورت گند دیوانخانه فرهنگه! تو

اگر از درختان این حیاط هم بنویسی می‌گن منظورش یادگار استاد شجره است. اگر بنویسی فسنجون میگن رفسنجونه! اگر بنویسی یک صلوات جلی ختم کن میگن منظورش جبیلیه. ملت خر نیست آقا! این قلم تو، چون شمشیر دو دمه!» من گفتم: «عزیزم، من که ریشم را در آسیاب سفید نکرده‌ام! تو آسوده باش، من از این‌ها نمی‌نویسم. گفتم که مطالب لگوری‌پسند می‌نویسم.» جیک‌جیک مستون، که مسحور شمشیر افلاطونی ما شده بود که چگونه آن را از غلاف منطق باب‌همایونی اختیم و بر او تاختیم، از تدابیر حکیمانه من انگشت به دهان مانده و در بحر تفکر نداشته‌اش غرق شد و دست به سبیل بور چس‌مگسی‌اش کشید و فهمید با بیان سخیف و حضور عنیفش خاطر ما را مکدر کرده به ناگاه دو دست بر گردنم انداخت، صورتم را بوسید و گفت: «بارک‌الله، من از قدیم به عقل تو ایمان داشتم!» و بعد جستی زد و هیکل ننتربوقِ شصت من تبریزش را برداشت و برفت.

دورانی بود برای خودش و ما از همان ایام بود که فهمیدیم خون دیگری در رگ‌های ما در جریان است و فهم و کمالات ما بیش از دیگران است و در جبین و ناصیه خود نور رستگاری دیدیم تا اینکه درایت و تدبیر ما چنان افسارمان را گرفته بود که ما را به این غایت رهنمون شد که افتد و دانی. حالا هم دیگر سخن به درازا رفت و مرا انبساط مثانه دست داد و برخیزیم و سری به آبریزگاه بزنیم که اوضاع خیط است.

خودک خان

بررسی لباس زنان قشقایی از دیرباز تا امروز

لباس قشقایی مثل مُهر ایل است

مریم محمودخواه
هفت صبح

باد عصرگاهی دشت، آرام روی چادرهای سیاه ایل می‌وزد. صدای زنگوله گوسفندان از دور می‌آید و دختران جوان قشقایی کنار چشمه‌ای نشسته‌اند. یکی چارقد گل‌دارش را روی سر مرتب می‌کند، دیگری دامن چین‌دار بلندش را از خاک می‌تکاند. لباس‌های رنگارنگشان در دل طبیعت سبز و قهوه‌ای کوه و دشت، همچون گل‌های وحشی چشم را می‌نوازد.
پوشاک زنان قشقایی تنها پارچه و دوخت نیست؛ روایت تاریخ، هویت و زیبایی است. هر قطعه لباس، از چارقد و پیراهن گرفته تا تنبان و قیناق، نشانی از زندگی کوچ‌نشینی و باورهای دیرینه دارد. زنان ایل، با سلیقه و هنری خاص، لباس‌هایی می‌دوزند که نه تنها پوششی برای تن است، بلکه نشانی از شأن اجتماعی، ذوق هنری و حتی اعتقاد فرهنگی آنان است. لباس قشقایی مثل مُهر ایل است.

وقتی پای صحبت مادربزرگ‌های ایل می‌نشینی، با افتخار از لباس‌هایی می‌گویند که روزگاری خودشان با دست‌هایشان می‌بافتند و می‌دوختند. یکی از آن‌ها می‌گوید: «هر گل و بته‌ای که روی چارقدم می‌دوختم، برایم معنایی داشت. یکی نشان از بهار، یکی نشانی از شادی.»

این لباس‌ها، قرن‌هاست که در دل ایل زاده و بالیده‌اند. در کوچ‌های طولانی، در جشن‌ها و عروسی‌ها، در سوگ‌ها و حتی روزهای عادی زندگی، این پوشاک نه تنها هویت زن قشقایی را به نمایش می‌گذارد، بلکه چون پرچمی رنگین، ایل را از دور در میان دشت‌ها و کوه‌ها به چشم می‌آورد.

نشستن در دل سیاه چادر قشقایی، میان بوی چای آتشی و صدای قل‌قل دیگ مسی، فرصتی است برای شنیدن قصه‌هایی که از دل لباس‌ها بیرون می‌آید. زنان ایل، با لبخندی گرم و دستی که بی‌وقفه مشغول دوخت و بافت است، درباره پوشاکشان سخن می‌گویند.

زنی میانسال که چارقد گل‌دار بر سر دارد و دست‌هایش پر از نقش و نگار حناست، با صدایی آرام می‌گوید: «این دامن‌ها را خودمان می‌دوزیم. باید پرچین باشد، تا وقتی راه می‌روی مثل موج روی دشت حرکت کند. دختر جوان اگر دامنش کم‌چین باشد، همه می‌فهمند که تازه‌کار است. ما همیشه به دخترها یاد می‌دهیم که دامن پرچین، یعنی دل پر از زندگی.»

کنارش دختری حدود هجده ساله نشسته است. پیراهن بنفش براقش زیر نور چراغ نفتی برق می‌زند. او با خجالت می‌گوید: «مادر برایم این لباس را دوخت. می‌گفت دختر باید رنگ شاد بپوشد. وقتی چارقدم را روی سرم می‌اندازم، حس می‌کنم با زنان ایل یکی می‌شوم. انگار همین پارچه‌ها مرا به همه نسل‌های پیش از خودم وصل می‌کند.»

پیرزنی که گوشه چادر نشسته و مشغول ریسیدن نخ پشمی است، حرف را ادامه می‌دهد. صدایش لرزان اما پر از اطمینان است: «زمان ما لباس‌ها همه با دست بافته می‌شد. نه مثل حالا که از شهر پارچه می‌آورند. هر تار و پودی را با جان می‌تنیدیم. لباس برای ما فقط پوشش نبود؛ هر لباس مثل یک یادگار بود. وقتی دخترم عروس شد، پیراهنی به او دادم که خودم جوانی دوخته بودم. هنوز هم نگهش داشته.»

پیرزنی که دانه‌های سنجاق را روی چارقد دخترش وصل می‌کند، با لحنی سرشار از عشق می‌گوید: «این لباس‌ها را از مادرانمان یاد گرفتیم و حالا باید به دخترانمان منتقل کنیم. در میان این گفت‌وگوها، می‌توان فهمید که لباس برای زنان قشقایی تنها تکه‌ای پارچه نیست؛ بخشی از زندگی روزمره، بخشی از خاطره و حتی بخشی از هویت است. هر رنگ و هر چین، حرفی برای گفتن دارد. پارچه‌های گل‌دار، چین‌های پرجنب‌وجوش دامن‌ها و چارقدهایی که مثل باغی از بهار روی سرها نشسته‌اند. هر جزء از پوشاک زنانه ایل، نه فقط پوشش برای اندام، که نشانی از فرهنگ و زیبایی‌شناسی است.»

> **نکته**
> **لباس، در ایل تنها پوشش فردی نیست؛ نوعی زبان اجتماعی هم هست. زنان جوان با رنگ‌های روشن و دامن‌های پرچین شناخته می‌شوند، در حالی که زنان سالخورده رنگ‌های سنگین‌تر برمی‌گزینند**

چارقد

یکی از زنان جوان چارقدش را مرتب می‌کند و لبخند می‌زند: «چارقد مثل سایه مادر است؛ همیشه باید روی سر دختر باشد.» چارقدها اغلب از پارچه‌های لطیف و رنگارنگ هستند. طرح گل‌های درشت یا ریز، بسته به سن و جایگاه زن فرق دارد. دختران جوان بیشتر رنگ‌های روشن و شاد بر سر می‌گذارند، در حالی که زنان سالخورده، چارقدهایی با رنگ‌های تیره‌تر می‌پسندند. چارقد تنها یک پوشش نیست، بلکه نشانه‌ای از وقار و هویت زن قشقایی است.

پیراهن یا آرخالق

زیر چارقد، پیراهنی بلند و گشاد قرار دارد که به آن آرخالق می‌گویند. این لباس سبک و راحت، برای زندگی کوچ‌نشینی بسیار مناسب است. پارچه‌های براق و رنگی، با دامن‌هایی تا مچ پا، جلوه‌ای خاص به زنان ایل می‌بخشند. پیرزنی که مشغول دوختن است، می‌گوید: «آرخالق را همیشه طوری می‌دوزیم که جا برای حرکت داشته باشد. زن قشقایی باید بتواند هم بدود، هم کار کند، هم برقصد.»

تنبان

زیر دامن‌های چین‌دار، تنبانی پوشیده می‌شود؛ شلواری گشاد و راحت که از پارچه‌های ضخیم‌تر دوخته می‌شود. این تنبان هم برای محافظت از سرما و هم برای راحتی در کار و کوچ ضروری است. زنی که نخ‌ها را مرتب می‌کند، می‌گوید: «اگر تنبان نباشد، دامن چین‌دار کامل نمی‌شود. مثل این است که ریشه را از درخت جدا کنی.»

قیناق

یکی از اجزای خاص پوشاک زنان قشقایی، قیناق است؛ شالی پهن که دور کمر بسته می‌شود. قیناق، هم دامن را جمع‌وجور می‌کند، هم شکلی زیبا به اندام می‌دهد. بعضی زنان در قیناقشان سکه یا مهره‌هایی می‌دوزند که صدای خفیفی هنگام حرکت ایجاد می‌کند.

کارکرد اجتماعی و جایگاه زن

لباس، در ایل تنها پوشش فردی نیست؛ نوعی زبان اجتماعی هم هست. زنان جوان با رنگ‌های روشن و دامن‌های پرچین شناخته می‌شوند، در حالی که زنان سالخورده رنگ‌های سنگین‌تر برمی‌گزینند. حتی در مجالس عروسی، نوع و کیفیت لباس نشان‌دهنده جایگاه خانوادگی است. وقتی دختری را به خواستگاری می‌برند، مادر داماد اول به لباسش نگاه می‌کند. لباس نشان می‌دهد دختر چقدر دست‌به‌کار است و سلیقه دارد.

پیوند با زندگی کوچ‌نشینی

دامن‌های بلند و چین‌دار، هم برای محافظت از سرما مناسبند، هم هنگام حرکت روی اسب آزادی می‌دهند. تنبان‌ها راحتی کار روزمره را فراهم می‌کنند و چارقدها از آفتاب و باد محافظت می‌کنند. زنان ایل، با پوشیدن لباس‌های رنگارنگ، شادی را به زندگی روزانه‌شان تزریق می‌کنند.

> **نکته**
> **با گذشت زمان و نزدیک‌تر شدن ایل به شهرها، لباس زنان قشقایی نیز کم‌کم تغییر کرده است. اگر روزگاری همه پارچه‌ها با دست بافته می‌شدند و دوخت‌ها تنها کار زنان ایل بود، امروز بخش زیادی از پارچه‌ها از بازارهای شهری تهیه می‌شود. با این حال، هنوز هم در جشن‌ها و مراسم عروسی، لباس سنتی جایگاه ویژه‌ای دارد**

با گذشت زمان و نزدیک‌تر شدن ایل به شهرها، لباس زنان قشقایی نیز کم‌کم تغییر کرده است. اگر روزگاری همه پارچه‌ها با دست بافته می‌شدند و دوخت‌ها تنها کار زنان ایل بود، امروز بخش زیادی از پارچه‌ها از بازارهای شهری تهیه می‌شود. با این حال، هنوز هم در جشن‌ها و مراسم عروسی، لباس سنتی جایگاه ویژه‌ای دارد. زنان جوان، حتی اگر در زندگی روزمره لباس ساده‌تر بپوشند، در عروسی‌ها لباس قشقایی می‌پوشند.

سنتی اما مدرن

برخی از زنان نیز به نوعی ترکیب بین سنت و مدرنیته روی آورده‌اند. مثلا تنبان و دامن را با پارچه‌های جدید می‌دوزند یا چارقدها را با طرح‌های مدرن‌تر انتخاب می‌کنند. باید لباس را طوری بدوزند که هم ریشه‌دار باشد، هم دخترهای امروز دوستش داشته باشند. امروز لباس قشقایی نه تنها در زندگی ایل، بلکه در جشنواره‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های صنایع دستی نیز حضوری پررنگ دارد.

گزارش

نگاهی به یکی از چالش‌های دردسرساز والدین با کودکان

«بیش فعال» یا «شیطون»؟

هنوز وارد یک میهمانی خانوادگی یا دوستانه نشده‌اید که شیطنت کودک‌تان گل می‌کند. از سر و کول میزبان بالا می‌رود. دائم وسط حرف می‌دود و از بالای مبل پایین می‌پرد و همه چیز را به هم می‌ریزد.

اگر چنین کودکی دارید لابد بخشی از قضاوت‌ها و حرف‌های درگوشی دیگران را هم شنیده‌اید! عباراتی مانند اینکه «بچه را چقدر بد تربیت کرده‌اند»، «چه بچه لوس و بی‌ادبی» و... اما آیا واقعاً فرزند شما پرانرژی، شما بخوانید بیش‌فعال، است یا شیطون و بی‌ادب؟

این روزها بیش‌فعالی کودکان جهان تنها یک معضل مربوط به حوزه سلامت و بهداشت نیست و فراوانی و تبعات آن، این پدیده را به یک بحران اجتماعی تبدیل کرده است. حاصل ۱۷۵ تحقیق طی چهار دهه در جهان نشان می‌دهد حدود ۷درصد از کودکان زیر پنج سال بیش‌فعال هستند؛ طوفانی که درون این بچه‌ها برپاست. اگر بیش‌فعالی درمان نشود اهمیت حقیقی آن در جایی مشخص می‌شود که قرار باشد کودک دیروز خانواده‌ها، تبدیل به مرد یا زن زندگی فردا شود. بی‌احتیاطی یا بی‌اهمیتی به درمان کودکی که دارای بیش‌فعالی است، در آینده تبدیل به خطرناک‌ترین معضل برای او خواهد شد.

اما یک تحقیق اخیر در آمریکا نشان می‌دهد که لااقل ۱۱درصد کودکان مبتلا به این اختلال هستند. با این حال گروهی از محققان نیز از آمار دو برابری بیش‌فعالی صحبت می‌کنند که می‌تواند بسیار تکان‌دهنده باشد.

به گفته دکتر احمد قره‌خانی، دکترای تخصصی روانشناسی، ۵ درصد کودکان مدرسه‌رو جهان دارای اختلال کم‌توجهی همراه با بیش‌فعالی هستند ضمن آنکه این اختلال در پسران بین ۲ تا ۹ برابر بیشتر شیوع دارد. وی همچنین مدعی است که در ایران نیز بین ۵ تا ۷ درصد کودک مبتلا به اختلال بیش‌فعالی همراه با نقص توجه دست و پنجه نرم می‌کنند.

بیشتر کودکان بمب انرژی هستند؛ یک جا بند نمی‌شوند، اگر به آنها بگویید راه برو، می‌دوند و زمان اثاث‌کشی، قید همه چیز را می‌زنند و با اسباب‌بازی‌های قدیمی‌شان بازی می‌کنند. تمام این رفتارها، رفتارهای یک کودک نرمال و شاد محسوب می‌شود که از زندگی و تعامل با محیط لذت می‌برد و در حال آزمون‌وخطا و یادگیری است. اما این تنها یک‌روی سکه است؛ در برخی موارد، این رفتارهای کودکان فراتر رفته و تبدیل به علائم بیش‌فعالی می‌شوند. اما تفاوت بیش‌فعالی و شیطنت در کودکان چیست؟ کودک من بازیگوش است یا بیش‌فعال یا بی‌ادب؟

تفاوت بیش‌فعالی و شیطنت در کودکان

اصلی‌ترین تفاوت بیش‌فعالی و شیطنت در کودکان، در شدت بروز علائمی مانند پرخاشگری و ناامیدی در بازه‌های زمانی طولانی است.این احساسات موجب سرخوردگی کودک شده و رفتارهای بد او را تشدید می‌کنند؛ یا او را به انزوا می‌کشانند. به‌عنوان مثال، کودک تا زمان بسیار طولانی یادش می‌ماند که شخصی با او بدرفتاری کرده و تا چند ماه بعد با یادآوری آن غصه می‌خورد یا عصبانی می‌شود. به طور کلی، کنترل عواطف مثبت و منفی و مدیریت آنها برایش دشوار خواهد بود. همچنین بیش‌فعالی و شیطنت در کودک، این است که کودک بیش‌فعال درکی از رفتارش ندارد.

به‌عنوان‌مثال، در پاسخ به سوال «چرا دوستانت را ترساندی؟» سکوت می‌کند. این سکوت نتیجه خجالت یا ترس نیست، کودک حتی این کار را برای لذت بردن و خوشگذرانی انجام نمی‌دهد؛ فقط انجامش می‌دهد و اصولا دلیل خاصی برای رفتارهایش ندارد. واکنش‌های منفی اطرافیان، استرس و آسیب روحی شدیدی به این کودکان وارد می‌کند و منجر به افسردگی، اضطراب و سایر اختلال‌ها می‌شود. در ضمن کودک بیش‌فعال در برنامه‌ریزی و پردازش اطلاعات به مشکل می‌خورد.به‌عنوان‌مثال، اگر در یک فعالیت گروهی به آنها دستورالعملی برای انجام فعالیت‌های مختلف داده شود، کودک نمی‌تواند آنها را به یاد بیاورد یا با اعضای گروه هماهنگ شود.

کودک بیش‌فعال معمولا نسبت به سنش، رفتار بچگانه‌تری دارد؛ در نتیجه، رشد اخلاقی و اجتماعی او همگام با هم‌سن‌وسال‌هایش نخواهد بود و احتمال انزوا و گوشه‌گیری او بیشتر خواهد شد.

آنچه بیش‌فعالی را از سایر اختلالات متمایز می‌کند، دشواری تشخیص آن است. اصلی‌ترین زمان بروز این بیماری و بحرانی‌ترین زمان تشخیص آن، بازه سنی ۴ تا ۷ سال در نظر گرفته می‌شود. مشکل اینجاست که در این بازه سنی، کودک در حال تجربه و کسب آگاهی درمورد فضای اطراف است و هر واکنش او، باتوجه به شخصیت و نوع تربیتش، معمولی و نرمال تلقی می‌شود. در واقع علائم بیش‌فعالی در کودکان بسیار شبیه رفتارهای عمومی دوران کودکی است. فقط یک روانپزشک واجد شرایط می‌تواند تشخیص قطعی در زمینه ابتلای کودک شما داشته باشد.

تشویق کارهای خوب بچه‌ها

یکی از روش‌های مناسب در راستای کمک به کودکان بیش‌فعال برای یاد گرفتن شیوه درست بیان عصبانیت‌شان، شیوه تشویق کردن و جایزه دادن است.

تهران و کوچه هایش

سرگذشت بیمارستان دادگستری؛ از خانه‌ای وقفی تا تجهیزات پزشکی به‌روز

موقوفه مستشار قاجاری در خدمت اطباء

الهه باقری‌سنجرئی
هفت صبح

اگر روزی گذرتان به میدان فردوسی افتاد، سری به بیمارستان دادگستری بزنید؛ نه اینکه خدایی نکرده برای درمان بیماری و ناخوشی، بلکه برای دیدن بنایی که بر کتیبه‌های آن، نمادهای دوران کیانی و هخامنشی نقش بسته. این بیمارستان در دل شلوغی شهر و رفت‌وآمد بی‌وقفه عابران یادگار دوران قاجار و موقوفه میرزا معصوم فاضل عراقی است؛ مردی که از مؤسسان کانون وکلای دادگستری و مستشار قاجاری بود و پس از آنکه پای منبر ملک‌المتکلمین نشست، خانه‌اش را برای درمان نیازمندان وقف کرد؛ چراکه شنیده بود بیمارستان دادگستری ساختمانی کوچک است که تعداد محدودی تخت جهت بستری و مداوای مجروحان دارد.

در ابتدا، در سال ۱۳۳۴، به خواست فاضل عراقی این خانه به‌عنوان بیمارستان زنان دادگستری وقف شد. از سال ۱۳۳۷ بیمارستان دادگستری با ۳۵ تخت در منزل موقوفه فاضل عراقی آغاز به کار کرد و حوالی سال ۱۳۴۴، ساختمان‌های دیگری هم به آن افزودند.

سربازان هخامنشی در میان آجرهای سرخ

در همان بدو ورود، وقتی از راه‌بندی که در مقابل در نگهبانی این بناست، عبور کنید، سربازان هخامنشی که روی کتیبه‌های سردر بنا و ستون‌ها ایستاده‌اند، چشمتان را خیره می‌کند. کمی پایین‌تر از این کتیبه‌ها، درهای چوبی کوچکی به چشم می‌خورد و سپس حاشیه ظریفی از کاشی نقش برجسته به رنگ فیروزه‌ای که درون قاب باریکی از سفال دور درگاه‌ها، پنجره‌ها و سطوح مختلف نما حرکت می‌کند.

هرچند از تاریخ دقیق ساخت این خانه اطلاعاتی در دست نیست اما شواهد و نشانه‌های معماری می‌گویند این عمارت متعلق به اواخر دوران قاجار است؛ مانند آجرهای سرخی که سراسر عمارت را پوشانده‌اند.

این بنا که در پلانی مستطیل‌شکل ساخته شده، پیش‌رفتگی و فرورفتگی‌هایی در نما دارد که ظاهراً از خلاقیت معمارش در ایجاد تنوع بوده. بخش مرکزی نما با در شیشه‌ای در قسمت همکف و پنجره‌ای تمام‌شیشه‌ای در طبقه اول، پیش‌آمده‌ترین قسمت این بنا به‌شمار می‌آید. در قسمت بالای عمارت، درست همان‌جا که به شیروانی منتهی می‌شود کتیبه دیگری قرار دارد که تقریباً پهن است با آجری که نقوش هندسی برجسته‌ای روی آن کار شده و حاشیه‌ای پهن در بالا و حاشیه‌ای باریک‌تر در پایین دارد. در داخل این عمارت هم، اتاق کاشیکاری بزرگی قرار دارد که دورتادور آن اسطوره‌های ایرانی نقش بسته است.

این بنا با اینکه به بیمارستان دادگستری تبدیل شده بود اما تا سال ۱۳۵۲، بدون تغییر باقی ماند. در این سال اما دکتر حسن حکمت ریاست این بیمارستان را برعهده داشت و دستور داد تغییراتی در بنا و ساختمان موقوفه فاضل عراقی ایجاد کنند.

بازسازی موقوفه مؤسس کانون وکلای دادگستری

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای عالی قضایی تلاش‌های بسیاری کرد تا با حفظ رعایت منویات مرحوم واقف؛ اداره بیمارستان به قوه قضائیه محول شود. بر اساس گفته‌ها، در دوره‌ای وزارت دادگستری تصمیم گرفت که به‌کلی این ساختمان را تخریب و به‌جای آن بیمارستان ۵طبقه بسازد که با مخالفت شدید سازمان میراث فرهنگی روبه‌رو شد. سرانجام این عمارت در سال ۱۳۷۰ زیرنظر کارشناسان میراث فرهنگی مرمت و بازسازی شد. این خانه قاجاری در حوالی میدان فردوسی، در کوچه پارس، در یازدهم بهمن ۱۳۷۸ با شماره ثبت ۲۵۶۸، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. پس از آن، در سال ۱۳۹۶، بازسازی ابنیه و زیرساخت‌های بیمارستان تکمیل شد و درحال‌حاضر با تجهیزات پزشکی به‌روز، امکانات کلینیکی و پاراکلینیکی، بخش‌های تخصصی و بستری مشغول به کار است.

نامی جاودان روی یک کتیبه کوچک

فاضل عراقی، پس از آنکه خانه‌اش را برای درمان نیازمندان وقف کرد، سال‌ها بعد در اواسط دهه ۳۰ خورشیدی، پس از ابتلا به بیماری، راهی آلمان شد و در مونیخ درگذشت. پیکرش اما به تهران بازگردانده شد و در آستان امامزاده عبداله شهر ری به خاک سپرده شد. امروز، هرچند این عمارت به‌جامانده از مستشار قاجاری تغییر کاربری داده اما چراغش روشن است و همان نام فاضل عراقی که روی سردر یکی از ورودی‌های عمارت قدیمی و زیر پنجره چوبی باقی‌ست، واقف این بیمارستان را به مراجعه‌کنندگان معرفی می‌کند؛ حتی اگر کمتر کسی او را بشناسد و پیشینه‌اش را بداند، باز چیزی از انسان‌دوستی فاضل عراقی کم نمی‌کند.

این جا ببینید

سوغات کافا از تاشکند رسید

امیر با دستکش طلایی

بالاخره پس از کش و قوس‌های فراوان تورنمنت کافا با نایب قهرمانی تیم ملی ایران و قهرمانی ازبکستان به پایان رسید

گروه ورزش | تیم ملی فوتبال ایران در مهم‌ترین و حساس‌ترین بازی خود در تورنمنت کافا ۲۰۲۵ و در فینال این رقابت‌ها برابر تیم ملی ازبکستان به میدان رفت و نایب قهرمان شد! ازبکستان تیم ۱۰ نفره ایران را برد تا بهانه کافی برای این شکست جور شود! جدای از سطح نازل مسابقات کافا و نمایش نومیدکننده تیم ملی ایران برابر تیم‌های ناشناخته فوتبال آسیا و دنیا، این دوره از رقابت‌های کافا با حواشی و دستاوردهای عجیب و غریبی همراه شد. برخی از این حواشی را نوشتیم و برخی دیگر را هم می‌نویسیم باشد که مورد توجه قرار گیرد.

۲۶ دقیقه بازی کن، کارت قرمز بگیر و فیکس تیم ملی باش!
ترکیب اصلی تیم ملی ایران در اولین بازی تورنمنت کافا برابر افغانستان همه را شوکه کرد!
مجید علیاری مهاجم ذخیره تیم سپاهان اصفهان که در هفته اول لیگ‌برتر برابر ملوان انزلی فقط ۲۶ دقیقه بازی کرده و اخراج شده بود، هم به تیم ملی دعوت و هم فیکس شد!
او در دقیقه ۶۰ بازی با ملوان جانشین کاوه رضایی شده و ۲۶ دقیقه بعد با کارت قرمز داور مواجه شد تا دیدار حساس سپاهان و پرسپولیس را از دست بدهد اما باز به تیم ملی دعوت شد.
هرچند این مهاجم توانست ۲ گل به تیم ملی افغانستان بزند اما شما کدام مهاجم لیگ‌برتر ایران را سراغ دارید که نتواند به تیم افغانستان گل بزند؟!

اشتباه گرفتن نیمکت تیم ملی با پارک!

بازی دوم ایران در تورنمنت کافا با پیروزی قاطعانه(!) مقابل هندوستان و نتیجه ۳ بر صفر به پایان رسید که دو ستاره تیم ملی، نیمکت تیم را با پارک اشتباه گرفته بودند! دو ستاره‌ای که یکی کاپیتان اول و دومی کاپیتان دوم و همه کاره تیم ملی است اما نیمکت‌نشینی را به سخره گرفته‌اند.
اگر به جای علیرضا جهانبخش و مهدی طارمی، یک جوان تازه از گرد راه رسیده و ملی‌پوش جدیدی روی نیمکت تیم ملی نسکافه می‌نوشید، چه اتفاقی می‌افتاد؟
جالب اینکه سال‌هاست علیرضا جهانبخش را حرفه‌ای‌ترین فوتبالیست ایرانی خوانده و از مهدی طارمی هم... بگذریم که باید هم گذشت!

هورا! تیم ۱۳۳ جهان را بردیم

پس از اینکه توانستیم افغانستان تیم ۱۶۱ رنکینگ فیفا را ۳ بریک ببریم، موفق شدیم برابر تیم ۱۳۳ جهان (بخوانید هندوستان!) هم به برتری ۳ برصفر برسیم.
شاید بهترین جمله را مجید جلالی مفسر سرشناس فوتبال کشورمان گفته باشد که «تورنمنت کافا، از لحاظ کیفی و فنی ارزش تحلیل کردن هم ندارد!»

ترس تیم‌های آسیای میانه از ایران ریخت!

بخش بزرگی از اهالی فوتبال و هواداران تیم ملی با مجید جلالی هم‌نظر بوده و معتقدند که حضور در چنین تورنمنتی دستاورد چندانی برای تیم ملی ندارد؛ به باور منتقدان، سطح مسابقات کافا به‌دلیل حضور حریفانی چون افغانستان، ترکمنستان و تاجیکستان نمی‌تواند چالش بزرگی را برای تیمی در سطح ایران ایجاد کند، این در حالی است که تیم ملی در سال منتهی به جام جهانی قرار دارد و از نگاه بسیاری از فوتبال دوستان باید دیدارهای تدارکاتی خود را مقابل حریفان قدرتمندتر و تیم‌هایی با سبک‌های مختلف برگزار کند.
هرچند تورنمنت کافا برای تیم‌های رقیب ایران بسیار ارزشمند با دستاورد بزرگی همراه شد. حالا دیگر تیم‌های آسیای میانه یا تیم‌هایی مثل هندوستان و افغانستان دیگر از اسم تیم ملی ایران نمی‌ترسند.

کنترل کنفرانس خبری به سبک کارلوس کی‌روش!

توزیع سوالات سفارشی بین خبرنگاران اعزامی به رقابت‌های کافا هم در نوع خود قابل تأمل بود.
زمان کارلوس کی‌روش، مرد پرتغالی همواره ۵ یا ۶ خبرنگار سفارشی و خودی(!) را با خود به سفرهای تیم ملی ایران می‌برد که در نشست‌های خبری سوالات سفارشی مطرح کنند.
هرچند کارلوس کی‌روش از تیم ملی ایران رفته و در حال حاضر هدایت تیم ملی عمان را برعهده گرفته اما میراث او همچنان پابرجاست! خبرنگارانی که به سفارش پادوی رسانه‌ای اطراف تیم ملی باید از مصدومان تیم ملی در نشست‌های خبری بپرسند تا شکست‌های احتمالی به پای غیبت سعید عزت‌اللهی و مهدی قایدی نوشته شود!
برخی دوستان کنفرانس خبری آن سوی مرزها را با نشست‌های خبری خودمان اشتباه گرفته و تصور می‌کنند با سوالات سفارشی از سرمربی تیم ملی و پرسش درباره غیبت ستاره‌های مصدوم ایران در نشست سرمربی رقیب (تیمور کاپادزه)، به سود تیم ایران کار کرده‌اند درحالی که ... البته مقصر همکاران ما نیستند چراکه اگر به سفارش برخی پادوهای رسانه‌ای عمل نکنند ممکن است از سفرهای بعدی جا بمانند اما این ره به ترکستان می‌رسد. اگر قرار بود این راه بهشت باشد کارلوس کی‌روش الان در عمان مربیگری نمی‌کرد؛ قابل توجه دوستان!

وقت‌کشی مقابل تیم ۱۰۶ دنیا!

خیلی هنر می‌خواست تیم ملی ایران بازی ۲ برصفر باخته مقابل تیم تاجیکستان را با تساوی ۲-۲ تاخت بزند اما این اتفاق افتاد. تیم ملی ایران دو گل به تیم ۱۰۶ رنکینگ دنیا زد اما در نیمه دوم دو گل خورد و حتی در دقایقی از واپسین لحظات بازی وقت‌کشی کرد تا گل سوم را نخورد!
تساوی با تاجیکستان هم از جمله دستاوردهای تیم ملی ایران در تورنمنت کافا بود که به لطف دوستان حاصل شد.

سرد شدن رابطه قلعه‌نویی و طارمی؟!

یکی از شایعات رسیده از تورنمنت تاجیکستان، سرد شدن رابطه امیر قلعه‌نویی با مهدی طارمی بود. نباید فراموش کرد آخرین بار دراگان اسکوچیچ با مهدی طارمی به مشکل خورد و آن سرنوشت را در آستانه جام‌جهانی پیدا کرد.
پس از اظهار نظر اسکوچیچ که گفته بود بازیکنان ایران تاکتیک‌پذیر نیستند، مهدی طارمی در توییتی جواب سرمربی تیم ملی را داد و نوشت: «بازیکنان ایرانی علاوه بر تکنیک فردی و جنگندگی، از لحاظ دانش فوتبال و تاکتیک خیلی درک بالایی دارند ولی متاسفانه مشکلات جای دیگری است. زنده‌باد ایران.»
اظهارنظری که تا چند روز فضای فوتبال ایران را تحت تاثیر قرار داد. این در حالی بود که تصمیم جدید اسکوچیچ بدون شک فضا را بیش از پیش ملتهب کرد. دعوت نکردن از ستاره پورتو و تیم ملی برای دو بازی پیش‌رو با لبنان و سوریه آتش زیر خاکستر را شعله‌ور کرد. پس از آن تصمیم جنجالی سرمربی وقت تیم ملی، مهدی طارمی واکنشی از خودش نشان نداد اما زمان ثابت کرد زور چه کسی بیشتر است!
حالا امیر قلعه‌نویی در نشست خبری پیش از بازی با ازبکستان نمایش ضعیف بزرگ‌ترهای تیم ملی را زیر سوال برد و در بازی با ازبکستان هم او را روی نیمکت نشاند. البته پس از اخراج آریا یوسفی، سرمربی تیم ملی به اجبار مهدی طارمی را به زمین فرستاد و در پایان بازی هم از مهدی طارمی و همینطور علیرضا جهانبخش تشکر و دلجویی کرد. اما...

اخراج آریا یوسفی بهانه‌ای برای ناکامی تیم ملی

آریا یوسفی مدافع راست جوان تیم ملی در دقیقه ۲ خطای بچگانه‌ای انجام داد تا اخراج شود و تیمش را ۱۰ نفره کند. ۱۰نفره شدن تیم ملی باعث شد نمایش ضعیف تیم ملی و شکست برابر تیم ملی ازبکستان در سایه اخراج آریا یوسفی قرار بگیرد. امیر قلعه‌نویی حالا می‌تواند با استناد به اخراج یوسفی جوان، شکست تیم ایران برابر ازبکستان را به حساب ۱۰نفره شدن تیمش بگذارد.

اتوبوس ۱۰نفره به جای شکست ۱۱نفره!

تیم ملی ایران ۱۱ نفره حریف تاجیکستان نشد و از تیم ملی افغانستان هم گل خورد؛ بنابراین ۱۰نفره شدن نمی‌تواند دلیلی برای شکست برابر ازبکستان باشد. ۱۰نفره شدیم و به ویژه در نیمه اول اتوبوس پارک کردیم تا امروز آقایان حرف از فداکاری و ایستادگی تیم ملی بزنند تو گویی برابر تیم ملی آلمان یا اسپانیا ۱۲۰ دقیقه مقاومت کرده‌ایم درحالی که حریف ما ازبکستان بود!

دستکش طلایی برای پیام نیازمند؟!

از کیفیت تورنمنت کافا همین بس که پیام نیازمند با خوردن یک گل از افغانستان و ۲ گل از تاجیکستان، بهترین گلر این رقابت‌ها شود. لابد این هم از دستاوردهای تغییر نسل تیم ملی از سوی کادرفنی باشد که با محرومیت علیرضا بیرانوند، دروازه‌بانی پیدا کردند که صاحب دستکش طلایی تورنمنت کافا شود!

تشکر از کادر فنی تیم ملی

منتقدین چرا از امیر قلعه‌نویی تشکر نمی‌کنند؟ چرا حب و بغض دارند؟ جام طلایی را نبردیم، مهم نیست؛ دستکش طلایی را که به ایران آوردیم! هم با رامین ۳۵ساله جوانگرایی کردیم هم با شهریار مغانلو بدون گل زده در کافا از بهترین مهاجم بعد از انقلاب ایران رونمایی شد و هم محصولات لیگ را روی نیمکت تیم ملی نشاندیم. ناشکر نباشید این همه دستاورد ارزش یک تشکر خشک و خالی از کادر فنی تیم ملی ایران را ندارد؟

حوادث

متهمین به قتل زن میانسال در دادگاه محاکمه می‌شوند

معمای جنایت سه نگهبان افغان

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

اواخر فروردین ماه سال ۱۴۰۲ جسد زن میانسالی به نام سهیلا در بیابان‌های حاشیه شهر تهران در حالی کشف شد که خانواده این زن پیش از این فقدان ناگهانی‌اش را به پلیس اعلام کرده بودند.
به این ترتیب بررسی‌های تیم جنایی برای روشن شدن راز جنایت آغاز شد و تیم تشخیص هویت پلیس آگاهی نیز در محل کشف جسد حاضر شده و در بررسی تن‌پیمایی اولیه علت تامه فوت سهیلا را خفگی بر اثر فشار به عناصر حیاتی گردن اعلام کردند. سپس جسد با دستور بازپرس جنایی به سردخانه پزشکی قانونی منتقل شد تا مراحل معاینات و آزمایش‌های لازم در کالبدشکافی طی شود.

تحقیقات اولیه

در ادامه تحقیقات کارآگاهان پلیس مشخص شد سهیلا در کار قاچاق افغان‌ها به ایران فعالیت داشته است. این زن میانسال با دریافت مبلغی پول، افغان‌هایی را که قصد مهاجرت غیرقانونی به ایران داشتند را وارد کشور می‌کرد. حتی پس از ورود آنها نیز در سامان‌دهی آنها برای پیدا کردن محل سکونت و پیدا کردن شغل کمک می‌کرد. سهیلا در شهرهای زیادی با افرادی که نیاز به جذب کارگر افغان داشتند آشنا بود و در قبال دریافت مبلغی پول، افغان‌ها را به این افراد معرفی می‌کرد.
در ادامه و بعد از مشخص شدن نوع فعالیت‌های مقتوله، پرینت آخرین تماس‌های او استخراج شده و مشخص شد آخرین تماس با خط تلفن همراهی گرفته شده که یک مرد افغان به نام یحیی از آن استفاده می‌کرد. به این ترتیب دستور بازداشت یحیی از سوی بازپرس جنایی صادر شد.

دستگیری سه متهم

با ردیابی‌های انجام شده یحیی شناسایی و دستگیر شد اما او در حالی که آخرین فردی بود که با سهیلا تماس داشت، منکر هرگونه ارتباط با سرنوشت مرگبار او شده و حتی منکر برقراری تماس با او نیز شد.
متهم ۵۰ ساله در برخورد ابتدایی به ماموران گفت: «من و دو دوست دیگرم نگهبان باغی در حاشیه شهر هستیم. ما سهیلا را می‌شناختیم اما آخرین بار دوستم به نام مراد با او تماس گرفت. نمی‌دانم چه صحبت‌هایی بین آنها رد و بدل شد و مراد به چه علت به او زنگ زده بود اما مطمئنم که گوشی تلفن همراهم را به مراد قرض دادم و او به سهیلا زنگ زد.»
با این ادعا مراد که او نیز هم سن و سال یحیی بود دستگیر شد و در برابر ماموران جنایی قرار گرفت. او نیز گناه را گردن شخص سومی انداخت و گفت دوست ۲۵ ساله‌اش با تلفن به سهیلا زنگ زده بود. به این ترتیب سومین نفر هم دستگیر شد اما او هم از بیان حقیقت طفره رفت.

در حالی که تناقض گویی متهمان هر لحظه ظن ماموران را بیشتر می‌کرد در ادامه تحقیقات با انجام نقطه زنی آنتن موبایل، مشخص شد که در زمان وقوع جنایت تلفن همراه آنها در محل قتل آنتن داشته و روشن بوده است.
بنا بر ادله به دست آمده علیه متهمان، به‌رغم اقرار صریح آنها، با طی روال قانونی و تکمیل تحقیقات، کیفرخواست دادسرا صادر شد.
به این ترتیب متهمان به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه خواهند رفت.

جنایت هولناک در شرق تهران

آتش‌افروزی مرگبار در قمارخانه

پس از آتش‌سوزی عمدی، کیفرخواست عامل صادر شد و او به زودی در دادگاه حاضر خواهد شد

در روز دوشنبه ۱۹ آذرماه ۱۴۰۳، گزارش مرگ مشکوک زن جوانی در یک خانه واقع در شرق تهران به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد. به دنبال این خبر، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ به همراه قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل شعبه اول دادسرای امور جنایی، راهی محل حادثه شدند. صحنه‌ای که پیش روی مأموران قرار گرفت، بسیار هولناک و تکان‌دهنده بود: جسد زن جوانی که بر اثر آتش‌سوزی به قتل رسیده بود، در میان شعله‌های خاموش شده، به چشم می‌خورد.
بررسی‌های ابتدایی نشان داد که این خانه، محل تجمع افرادی برای انجام قمار و مصرف مواد مخدر بوده و حدود ده نفر در زمان وقوع حادثه در آن حضور داشتند. مأموران در نخستین گام، هویت فردی به نام مسعود را که در خانه حضور داشت، شناسایی و او را بازداشت کردند. اما مسعود در بازجویی‌های اولیه، وقوع آتش‌سوزی را تصادفی عنوان کرد و مدعی شد که این حادثه عمدی نبوده است.
با این حال، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی متوجه وجود دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه شدند و بررسی تصاویر ضبط شده، پرده از راز این جنایت هولناک برداشت. فیلم‌ها نشان می‌دادند که مرد جوانی به نام سعید، ابتدا از خانه خارج شده و سپس با کشیدن بنزین از باک موتورسیکلت خود، با یک بطری به خانه بازمی‌گردد و پس از ریختن بنزین روی سر زن جوان، او را به آتش می‌کشد. پیش از رسیدن نیروهای انتظامی، سعید از محل متواری شده بود.
مسعود پس از مشاهده فیلم‌ها و مواجهه با شواهد قطعی، ناچار شد حقیقت را بیان کند و توضیح داد: «ما در این خانه برای مصرف مواد مخدر جمع می‌شدیم. روز حادثه، زن جوان و سعید سر یک لپ‌تاپ شرط‌بندی کردند. زن جوان باخت، اما یک درگیری بین آن‌ها آغاز شد. سعید بسیار عصبانی شد، ابتدا او را تهدید به مرگ کرد و سپس خانه را ترک کرد. او با کشیدن بنزین از باک موتورسیکلت خود، به داخل برگشت و بطری بنزین را روی سر زن جوان ریخت و سپس با فندک اقدام به آتش‌افروزی کرد.»
بر اساس این اظهارات، مأموران اداره دهم پلیس آگاهی مأموریت یافتند تا هرچه سریع‌تر عامل جنایت را شناسایی و دستگیر کنند. در اولین اقدام، کارآگاهان با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین کشف جرم و اقدامات اطلاعاتی، مخفیگاه سعید را شناسایی کردند. مأموران، با برنامه‌ریزی دقیق و تعقیب نامحسوس، در عملیاتی منسجم، سعید را بازداشت کردند و به اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل کردند.
در بازجویی‌ها، سعید تلاش کرد تا وقوع جنایت را غیرعمدی جلوه دهد و گفت: «با زن جوان سر قمار درگیر شدم. او کلید ماشین من را گرفته بود و پس نمی‌داد. ابتدا تهدیدش کردم اما نتیجه‌ای نداشت. سپس به پایین رفتم و از موتورسیکلت خود بنزین کشیدم. در ادامه، بطری بنزین را روی زمین گذاشتم و آتش‌سوزی رخ داد. من قصد قتل نداشتم.»
با این حال، شواهد عینی و اظهارات شاهدان، تمام ادعاهای او را رد می‌کرد. شاهدان عنوان کردند: «سعید بنزین را مستقیما روی سر مقتول ریخت و با شعله فندک، او را به آتش کشید.» این اظهارات، نشان می‌داد که حادثه نه تنها عمدی بوده، بلکه با برنامه‌ریزی قبلی و خشونت شدید همراه بوده است.
پس از تکمیل بازجویی‌ها و جمع‌آوری شواهد، بازسازی صحنه جرم انجام شد. کارآگاهان با دقت تمام، نحوه ورود و خروج سعید، نحوه ریختن بنزین و روشن کردن فندک و واکنش‌های حاضرین در محل را بررسی کردند تا تمام زوایای حادثه مشخص شود. در نهایت، قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل شعبه اول دادسرای امور جنایی، با بررسی مدارک و اظهارات شاهدان، دستور صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست علیه سعید را صادر کرد.
این کیفرخواست متهم را به اتهام مباشرت در قتل عمدی معرفی می‌کند و پرونده او برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. با صدور کیفرخواست، سعید موظف خواهد بود در دادگاه حاضر شده و از خود دفاع کند.
گزارش‌ها حاکی از آن است که این پرونده، به دلیل شدت خشونت و برنامه‌ریزی قبلی، از جمله جنایات هولناک اخیر شرق تهران به شمار می‌رود و روند رسیدگی به آن با دقت و سرعت توسط مقامات قضایی دنبال می‌شود. مأموران و قاضی پرونده بر این باورند که شواهد موجود، امکان برگزاری محاکمه‌ای عادلانه و سریع را فراهم خواهد کرد و از سوی دیگر، روشن شدن تمامی جزئیات حادثه، از جمله نقش سایر افراد حاضر در محل و نحوه وقوع آتش‌سوزی، برای خانواده مقتول و افکار عمومی اهمیت ویژه‌ای دارد.

این پرونده همچنین توجه ویژه جامعه را به مخاطرات قمار و مصرف مواد مخدر در محیط‌های غیرقانونی جلب کرده و نشان می‌دهد که چنین تجمعاتی می‌تواند زمینه‌ساز جنایات خشونت‌آمیز شود. مقامات انتظامی و قضایی تهران، ضمن تأکید بر ضرورت پیشگیری و برخورد با مراکز غیرمجاز، اعلام کرده‌اند که پرونده سعید، نمونه‌ای از اقدامات فوری و هماهنگ پلیس و دادسرا برای مقابله با جنایات هولناک است.
با صدور کیفرخواست، شمارش معکوس برای محاکمه سعید آغاز شده و انتظار می‌رود که این پرونده در جلسه دادگاه کیفری یک استان تهران مطرح شود. مقامات قضایی تأکید کرده‌اند که روند دادرسی به دقت پیگیری خواهد شد و همه شواهد و مدارک، از جمله تصاویر دوربین‌های مداربسته، اظهارات شاهدان و اعترافات متهم، در دادگاه ارائه خواهد شد تا عدالت به طور کامل اجرا شود.

هفت صبح

صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر مسئول: امیر تاجیک
زیرنظر: شورای سردبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی
دبیر صفحه آخر: مرتضی کلیلی
تحریریه ورزش: مهدی هژبری و مهدی یکتا
ویراستار: فرزانه اختیاری

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۴:۱۸ | طلوع آفتاب: ۰۵:۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۸:۱۷ | اذان مغرب: ۱۸:۳۵

پروفایل

هیاهوی ازدواج آتوسا و هیکارو

با تاخیر؛ درباره ازدواج دو استاد بزرگ شطرنج جهان که در صدر اخبار ورزشی ایران قرار گرفت!

مرتضی کلیلی | پروفایل امروزمان اختصاص دارد به خانم آتوسا پورکاشیان شطرنج‌باز؛ با سابقه حضور در چندین المپیاد شطرنج، دارنده مدال برنز بازی‌های آسیایی، ۴ مدال طلای رده‌های سنی آسیا و... آتوسا به این خاطر به پروفایل‌مان راه پیدا کرد که دیروز به اشتباه خبر ازدواجش با هیکارو ناکامورای ژاپنی به سرعت در فضای مجازی دست به دست شد. اشتباه به این خاطر که آتوسا و هیکارو، نه حالا که دو سال پیش رسما ازدواج می‌کنند و دو ماه پیش هم صفحه رسمی شطرنج جهانی، در پستی بامزه، بارداری آتوسا و بچه‌دار شدن این زوج را تبریک می‌گوید؛ «برای‌تان آرزوی شب‌های بی‌خوابی کم و شادی بی‌پایان دارم.»

از او چه می‌دانیم؟

استاد بزرگ زنان ۳۷ساله است و متولد تهران. ورود آتوسا به عرصه شطرنج اینگونه بود که در کلاس‌های آموزش شطرنج فرهنگسرای بهمن شرکت می‌کند و در انتهای همین کلاس‌ها قهرمان تهران می‌شود. آتوسا اولین مقام مهم خود را وقتی گرفت که توانست قهرمان شطرنج دختران زیر ۱۲سال جهان شود. سال ۷۶ به عضویت تیم ملی در رده سنی ۱۰سال و سال ۷۸ به عضویت تیم ملی بزرگسالان درمی‌آید. آتوسا کارشناسی تربیت بدنی خوانده و در یک خانواده ورزشی رشد کرده؛ او فرزند احمد پورکاشیان بازیکن و مربی سابق تیم ملی والیبال ایران است. بدره مادر آتوسا هم معلم ورزش بود. در ادامه به حواشی که مادرش برای او در رقابت با شادی پریدر ایجاد کرده بود، می‌پردازیم.

رقابت سنگین آتوسا و شادی

حواشی پیش آمده درباره نفوذ مادر آتوسا در فدراسیون شطرنج را به یاد بیاورید. روزگاری بین شادی پریدر و آتوسا رقابت سنگینی برای اعزام به مسابقات جهانی وجود داشت. هر دوی آنها تهرانی بودند و فاصله سنی کمی داشتند؛ شادی دو سال از آتوسا بزرگ‌تر بود. در یکی از این رقابت‌ها؛ پریدر به خاطر تصمیمی که فدراسیون ایران برای اعزام آتوسا به مسابقات گرفته بود، بازی برده را به آتوسا واگذار می‌کند و می‌گوید این تصمیم را برای این گرفته تا اعلام کند مادر آتوسا نفوذ زیادی در فدراسیون دارد. نفوذی که به ادعای او باعث شده بود که با وجود شکست‌های بیشتر آتوسا، او را به مسابقات آسیایی اعزام کنند. شادی پریدر پنج سال زودتر از آتوسا توانسته بود به مقام اولین زن گرندمستر ایران برسد.

گرندمستر یا استاد بزرگ شطرنج

این عنوان استاد بزرگ شطرنج که همان گرندمستر است، از طرف فدراسیون جهانی شطرنج به بازیکنان بسیار قوی داده می‌شود. عنوان مهمی که در کنار قهرمانی جهان، بالاترین مقامی است که یک بازیکن می‌تواند به آن برسد. آتوسا سال ۱۳۸۸ بعد از شادی پریدر که حالا در ۳۹سالگی رئیس فدراسیون شطرنج است، دومین زنی بود که توانست به جایگاه گرندمستر زنان یا همان استادبزرگ زنان برسد. آتوسا سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۲ سابقه لژونر شدن هم دارد و در لیگ حرفه‌ای آلمان برای تیم هامبورگ مسابقه می‌داد.

مهاجرت در ۳۴ سالگی

آذر سال ۱۴۰۱ بود که خبر مهاجرت آتوسا در رسانه‌های فارسی‌زبان منتشر شد. پورکاشیان گرچه سال‌هاست در آمریکا زندگی می‌کند اما همواره با پرچم ایران در مسابقات شرکت می‌کرد ولی از همین سال ۱۴۰۱ با پرچم آمریکا در مسابقات شرکت کرد.

ازدواج با ناکامورای ژاپنی

هیکارو ناکامورای ۳۸ساله، متولد ۱۹۸۷ در ژاپن است. سوپر استاد بزرگ شطرنج جهان دو سال پس از تولد به همراه خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت می‌کنند. ناکامورا تبحر خاصی در شطرنج سریع دارد و در حال حاضر نفر اول این رشته در جهان است. هیکارو در شطرنج فکری (کلاسیک) در حال حاضر با ریتینگ ۲۷۸۷ پس از کارلسن در رده دوم بهترین بازیکنان جهان قرار دارد. همین دیگر. خوشبخت باشید...

قاب / از رویدادهای امروز تا مشاهیر تاریخ معاصر و عکس‌های خاطره‌انگیز شهری و خودرویی و فوتبالی و...

قاب امروز
اوج هیجان در نمک‌آبرود؛ دو عکس از تفریح جوانان در بانجی معکوس مجموعه توریستی نمک‌آبرود استان مازندران را می‌بینید.
عکس: علی شریف‌زاده / ایرنا

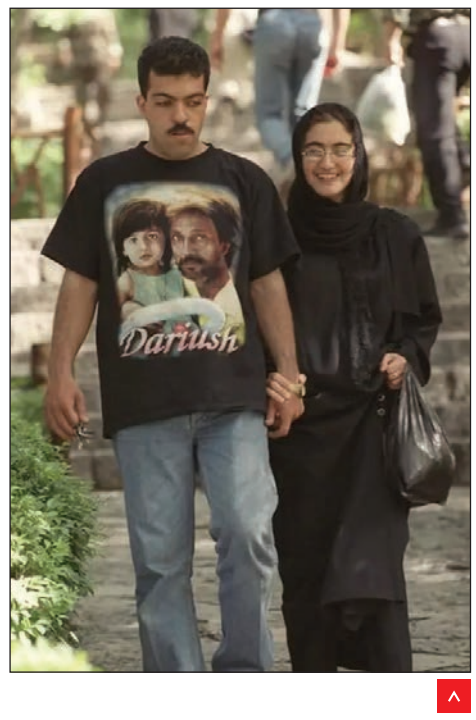

قاب نوستالژی ۲
داریوش و دخترش بیتا روی تی‌شرت جوانان دهه شصتی؛ عکس توسط عباس عطار عزیز در سال ۱۳۷۹ در پارک جمشید یه تهران گرفته شده است.

قاب نوستالژی ۱
دریای خزر - ساری - سال ۱۳۷۷؛ برونو باربی یکی از عکاسان مطرح در حوزه عکاسی خبری و مستند متولد مراکش بود و از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ معاونت ریاست بخش اروپای آژانس عکس مگنوم، معتبرترین آژانس عکس جهان را برعهده داشت. برونو سال ۱۹۷۶، برای بار دوم به ایران سفر می‌کند که عکس‌های این سفر در کتابی با عنوان «ایران، تولد دوبارهٔ یک امپراتوری بی‌انتها» به چاپ می‌رسد.

قاب مشاهیر
ارمنی پرسپولیس، وازگن صفریان بازیکن سال‌های ۵۶ تا ۶۰ پرسپولیس؛ دروازه‌بان پرسپولیس در اولین قهرمانی بعد از انقلاب پرسپولیس - جام شهید اسپندی - مرداد ۱۳۵۸

سلامت

افزایش چشمگیر در مصرف قند؛ علت چیست؟

یک مطالعه جدید نشان داده است که مصرف قند در سال‌های اخیر به شکل چشمگیری افزایش یافته و این موضوع نگرانی‌هایی دربارهٔ پیامدهای بهداشتی آن ایجاد کرده است.
پژوهشگران علت این افزایش را بالا رفتن دمای هوا در اثر تغییرات اقلیمی می‌دانند.
به گزارش شرق‌الأوسط، پژوهشگران داده‌های خرید مواد غذایی خانواده‌های آمریکایی را از سال ۲۰۰۴ بررسی کردند؛ این کار به آن‌ها امکان داد تا الگوهای مصرف خانوارها را در طولانی‌مدت دنبال کنند. سپس این داده‌ها با اطلاعات مربوط به آب‌وهوا، از جمله دما و رطوبت، مقایسه شد. نتایج نشان داد که با گذر سال‌ها و افزایش دما به دلیل تغییرات اقلیمی، مردم قند بیشتری مصرف کردند؛ بیشتر این قند به شکل نوشیدنی‌های شیرین مانند نوشابه‌های گازدار و آبمیوه بود. در مقاله‌ای که روز دوشنبه در مجله Nature Climate Change منتشر شد، پژوهشگران نوشتند: «افزایش دما باعث می‌شود بدن آب بیشتری از دست بدهد و همین امر میل افراد به خنک شدن و هیدراته ماندن را افزایش می‌دهد. برای بسیاری از افراد، این به معنای روی آوردن به محصولات خنک و شیرین مانند نوشابه و بستنی است.»
این اثر به‌ویژه در خانواده‌های کم‌درآمد یا با سطح تحصیلات پایین‌تر آشکارتر است، زیرا زمان کمتری را در مکان‌های مجهز به تهویه مطبوع سپری می‌کنند و تمایل بیشتری به نوشیدنی‌های شیرین و خنک دارند.
این مطالعه پیش‌بینی می‌کند که اگر آلودگی‌های عامل گرمایش زمین بدون کنترل ادامه یابد، مصرف قند به‌طور میانگین تا سال ۲۰۹۵ حدود ۳ گرم در روز افزایش خواهد یافت.
بان هی، نویسنده اصلی مطالعه و مدرس علوم محیط زیست و پایداری در دانشگاه کاردیف بریتانیا، گفت: «موضوعات مربوط به سلامت عمومی و مصرف قند پیش‌تر بارها مطرح شده‌اند اما تعامل آن با تغییرات اقلیمی پیش‌تر هرگز بررسی نشده بود.»
او افزود که سیاست‌گذاران در سراسر جهان شاید ناگزیر شوند مدیریت مصرف قند را به‌عنوان بخشی از سازگاری با تغییرات اقلیمی در نظر بگیرند. مصرف بیش از حد قند می‌تواند پیامدهای متعددی داشته باشد، از جمله افزایش خطر ابتلا به چاقی، دیابت و بیماری‌های قلبی ـ عروقی.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

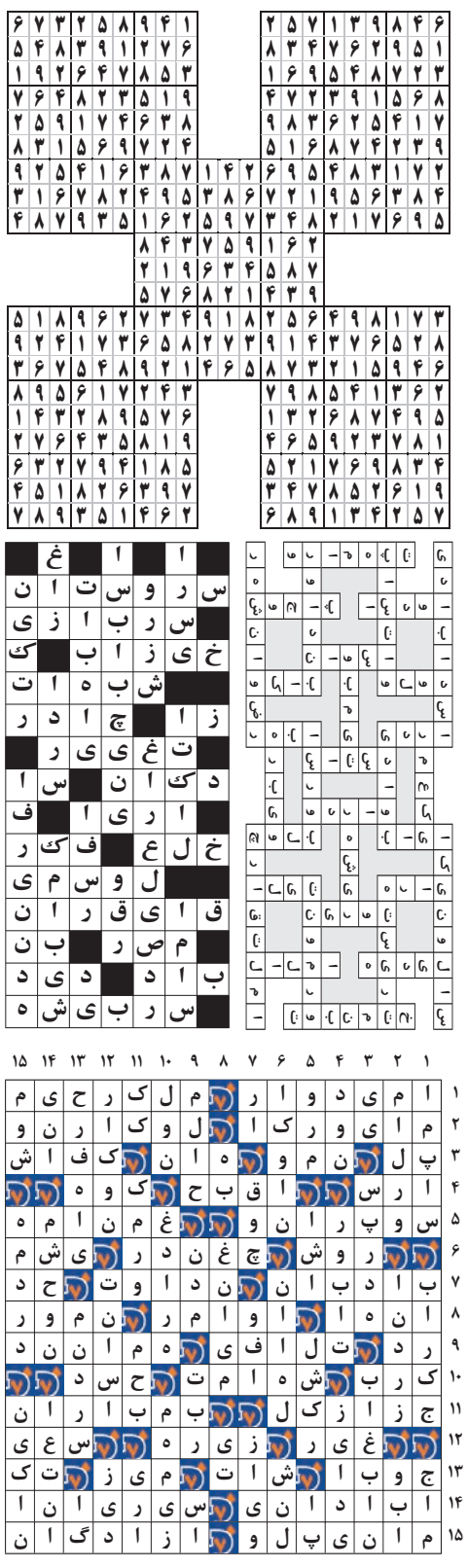

لغت‌یابی

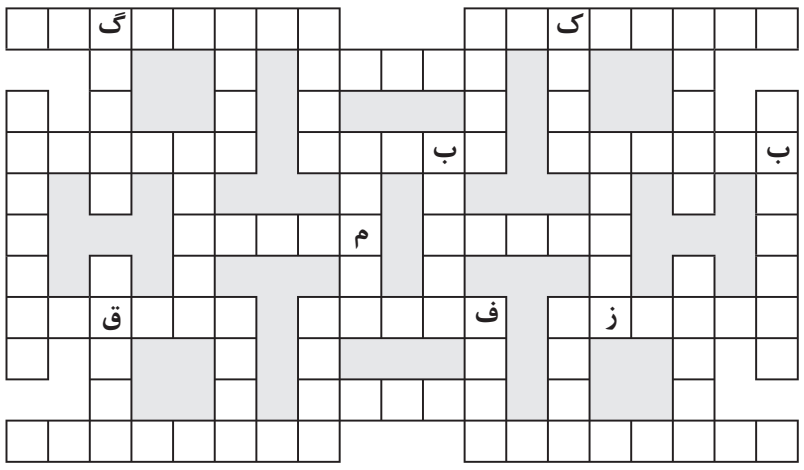

توضیح
کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: امسا، پارت، دوبی، فجور، کرند، گینه، لتره، نوان
۵ حرفی: اقتفا، آباده، بیهار، درمنه، راموز، عرجون، فروهل، گشتیا، مشتهی
۶ حرفی: بروجرد، تی پی کا، داورزن، دهاقان
۷ حرفی: مهتدی، مهلکه، وارنر، هولکی، یایسه
۸ حرفی: بایکونور، قلعه کک ها، گلپایگان، هایدپارک
۷ حرفی: آب آوردن، کاروانه

سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

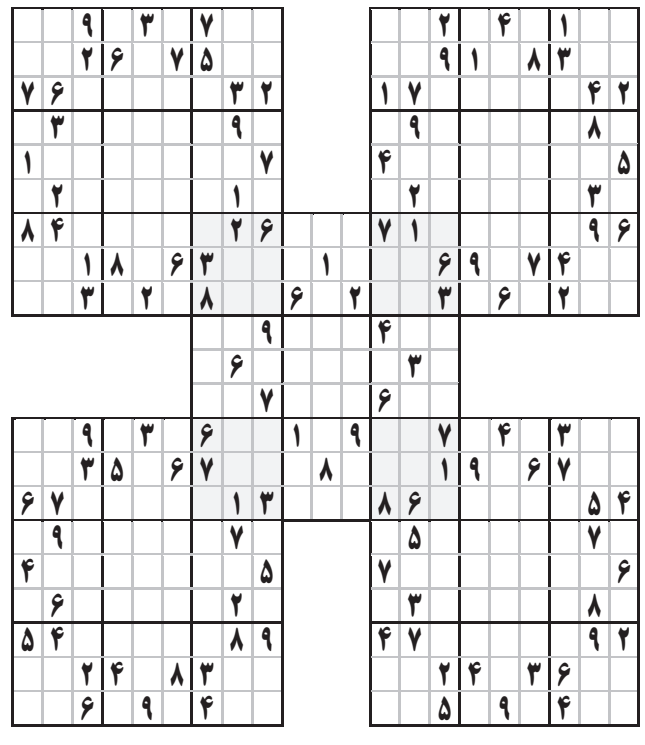

جدول شرح در متن

جدول کلمات متقاطع

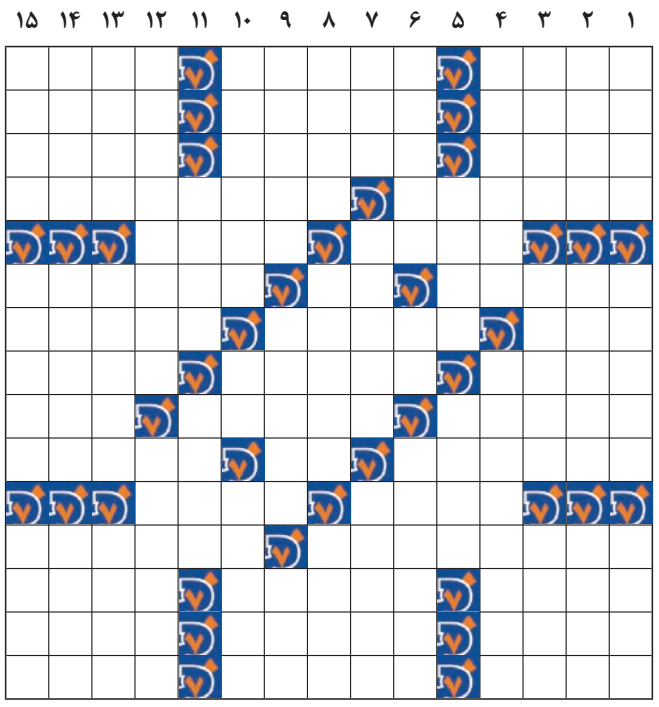

افقی
۱- ساز و برگ اسب - آهنگساز آلمانی - بصل
۲- قبل از ثانیا - یک غذای روسی است که از آرد و شیر و تخم مرغ درست می‌شود - بین پیچ و مهره
۳- گشاد و پهناور - بوق و نفیر - خدای ما
۴- محرم اسرار - پژوهشگر ایرانی باستان
۵- آسمان غرنبه - یکی از دریاچه‌های بزرگ آب شیرین واقع در آمریکای شمالی است که در مرز ایالات متحده آمریکا با استان انتاریو کانادا قرار گرفته است.
۶- محرم اسرار - تکان - با نشاط
۷- به‌جز - پر و آکنده - به تازگی
۸- زنجبیل شامی - سراینده انگلیسی با نام کوچک آلفرد - زمان انگلیسی
۹- لقب رستم در شاهنامه - نژاد روسی - تلف و بیهوده
۱۰- غذایی از بادمجان - برگ برنده - از خاندان های حکومت گر در تاریخ ایران
۱۱- بخیل و کنس - نان کاغذی
۱۲- از آثار تاریخی استان آذربایجان شرقی - بهبود یافتن زخم
۱۳- مشکین‌شهر سابق - خریدار اموال مسروقه - پایتخت آذربایجان
۱۴- زادگاه انیشتین - مخفیانه و پنهانی - چهار عرب
۱۵- جسد و مردار - دالان - یکی از قطعات رایانه دیسک است

عمودی
۱- کمک رسان - هم‌بازی لورل - خاکروبه
۲- سران و بزرگان - نرم شدن - پیرو و تابع
۳- جفتک - صداقت - کفش لاستیکی
۴- طبق معمول - به پایان نرسیده
۵- نازل تر - نوعی ظرف آشپزخانه
۶- حارس و نگهبان شب - هم‌بازی کارتونی پت - از رودهای مرزی ایران
۷- دوستی - هادی الکتریکی - فهرست
۸- نزدیک بین - عبادتگاه مسیحیان - صاف و گوارا
۹- غم و غصه - به هم پیوسته - فحش و ناسزا
۱۰- نام قدیم سیستان - رمق آخر - ریختن پول به حساب بانکی
۱۱- پرنده وحشی حلال گوشت - عذاب و سختی
۱۲- وی نخستین زن در تاریخ ایران بود که به عنوان پادشاه رسمی و مستقل بر تخت نشست - خطا و سهو
۱۳- اسب بارکش - سر و صدا - قدرت
۱۴- سیگار بدبوی قدیمی - پاره کردن - بزرگتر
۱۵- زره ساز - از شهرهای استان فارس - زمان وعده داده شده